Culminatin of Law Quarterly

16th Year, No. 4, Winter 2025

http://dx.doi.org/10.22034/thdad.2024.2021042.2682

Criminal Responsibility for Crimes Caused by Ifta In Legal Systems of Iran and Malaysia

Roholla Akrami[1], Morteza Fathi[2], Saman Dostmohammadi[3*]

1. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran.
3. Ph.D. Student of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran.

Abstract

Due to the importance of fatwa, the criteria and conditions for issuing a fatwa have been determined by jurists. And in some Islamic countries, including Malaysia, Jordan, Brunei and Indonesia, due to the important effects of ifta on various political, economic, social and cultural aspects and in an effort to "standardize ifta", limitations have been identified in this regard. And based on that, fatwa outside the framework has been criminalized. In Iran's criminal law, according to Article 526 of the Criminal Code and other articles related to the guarantee caused by tasbib, the agent who is documented to have committed the crime will be responsible for the guarantee of the crime and according to the culpability and degree of blameworthiness of various factors, custom will be responsible for this citation. In cases where the mufti and the operator of the fatwa are intentional or at fault, they are definitely responsible for the crime. In the criminal law of Malaysia, if the implementation of a fatwa causes a crime in the presence of intent or the mufti's fault, the crime can be attributed to him In Malaysia, the "Fatwa Committee" is the only legal authority for issuing fatwas, and anyone who issues a fatwa outside of the Fatwa Committee is a criminal. In Iranian law, illegal issuing of fatwas is not criminalized. This article, with Descriptive-analytical and library method, aims to analyze the possibility and method of punishing the mufti and the operator of the fatwa in the two countries of Iran and Malaysia.

Keywords: Issuing Fatwa, Malaysian Penal Code, Criminal Regulations of Iran, Mufti's Qualification, Criminal Liability of Unauthorized Fatwa

Article Type:
Original Research

Pages: 141-182

Received: 2024 February 03

Revised: 2024 October 25

Accepted: 2024 October 28

This is an open access article under the CC BY licens.

* Corresponding Author: s.dostmohammadi@yahoo.com

فصلنامه تعالی حقوق

سال شانزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۴

http://dx.doi.org/10.22034/thdad.2024.2021042.2682

مطالعه تطبیقی مسئولیت کیفری جنایات ناشی از افتاء در نظام های حقوقی ایران و مالزی

روح الله اکرمی[۱]، مرتضی فتحی[۲]، سامان دوست محمدی[۳*]

۱. دانشیارگروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران.

۲. استادیارگروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران.

۳. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران.

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۱۸۲-۱۴۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۷

چکیده

باتوجه به اهمیت إفتاء، ضوابط و شرایطی برای صدورفتوی، توسط فقیهان، تعیین شده است و دربرخی از کشورهای اسلامی ازجمله مالزی به دلیل آثارمهم افتاء برجنبه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و درتلاش برای «استانداردسازی افتاء»، محدودیت هایی دراین خصوص مشخص شده است و براساس آن، إفتای خارج ازچارچوب، جرم انگاری شده است.درحقوق کیفری ایران، با توجه به ماده ۵۲۶ ق.م.ا و سایرمواد مرتبط با ضمان ناشی ازتسبیب، عاملی که جنایت مستند به او باشد ضمان جنایت برعهده او خواهد بود و عرف با توجه به تقصیرو درجه سرزنش پذیری عوامل مختلف، عهده داراین استناد خواهد بود. درمواردی که مفتی و مستفتی، دارای عمد یا تقصیر باشند، قطعاً، درقبال جنایت واقع شده، مسئول می باشند.درحقوق کیفری مالزی نیزدرصورتی که عمل به فتوی موجب وقوع جنایت گردد درصورت وجود عمد و یا تقصیرمفتی، جنایت واقع شده می تواند به وی منتسب گردد. درمالزی،« کمیته فتوی» تنها مرجع قانونی صدورفتوی است و هرکس خارج ازکمیته فتوی، اقدام به صدورفتوی کند مجرم است. درحقوق ایران، صرف صدورغیرقانونی فتوی جرم انگاری نشده است. نوشتارحاضربا روش توصیفی- تحلیلی وکتابخانه ای درصدد تحلیل امکان و نحوه کیفردهی مفتی و عمل کننده به فتوی دردوکشورایران و مالزی است.

واژگان کلیـــدی: افتاء، صلاحیت مفتی، مقررات کیفری مالزی، مقررات کیفری ایران، مسئولیت کیفری افتای غیر مجاز

تمامی حقوق انتشاراین مقاله، متعلق به نویسنده است.

* نویسنده مسئول: s.dostmohammadi@yahoo.com

درآمد

افتاء به معنای فتوادهی، در حقیقت ابلاغ حکم الهی به مردم از سوی فقهایی است که در روایات از آنها به عنوان امین خدا در امور حلال و حرام[۱]،(نوری،۱۴۰۸ق.: ۳۱۶/۱۷) امین پیامبر[۲](همان: ۳۱۲/۱۷) و جانشین ایشان[۳] (همان: ۲۸۷/۱۷ و ۲۹۹) و حجت ائمه معصومین علیهم السلام[۴] (عاملی،۱۴۰۹ق: ۱۴۰/۲۷)تعبیر شده‌اند. افتاء، منصب بزرگی است که خداوند متعال با تعبیر «وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ» (سوره نساء، آیه ۱۲۷)آن را به خود نسبت می دهند (درعان. ۱۴۲۹ه: ۳۳)اهمیت جایگاه افتاء در سنت اسلامی به‌گونه‌ای است که نقل شده بسیاری از متقدمین از فتوی دادن در بسیاری از مسائل پرهیز می کردند، نووی به نقل از ابن مسعود و ابن عباس می گوید «کسی که در هر مساله ای که از وی سوال گردد فتوا دهد مجنون است»(نووی۱۴۰۸ ه،:ص۱۴) ؛امام صادق(ع) نیز می فرمایند«اهرب من الفتیا هربک من الاسد» (علامه مجلسی۱۴۰۳ ه: ۲۲۶/۱) از فتوا دادن بپرهیز همانگونه که از شیر درنده فرار می کنی.

امروزه ما با «بی نظمی درفتوا » مواجه ایم و رسانه های جدید نیز به این بی نظمی دامن زده اند، زیرا درگذشته اگر فتوایی صادر می شد صرفاً جامعه محلی مفتی را تحت تاثیر قرار می داد، اما امروز به کمک رسانه ها، اثر فتواها فراگیر شده است و تضاد و نبرد فتواها منجر به گیجی و عدم اطمینان مقلدین شده است (Zoltiqar Ali Shah ,۲۰۱۴ ,p۷۵) لذا ضابطه مند کردن افتاء موضوع مهمی است که باید مورد توجه کلیه کشورهای اسلامی قرارگیرد. ضروری است برای افتاء، ضوابطی هم در خصوص صلاحیت مفتی و هم فرآیند افتاء رعایت شود به نحوی که صرفاً اشخاص شایسته متصدی امرإفتاء شده و ایشان نیز

---

۱. «بأن مجاری الامور و الأحکام علی أیدی العلماء بالله، الامناء علی حلاله و حرامه».

۲. «عن رسول الله ص: الفقهاء امناء الرسل».

۳. «قال رسول الله ص: اللهم ارحم خلفائی...، الذین یأتون من بعدی و یروون احادیثی و سنتی...» / «عن أبی‌عبدالله علیه‌السلام: العلماء ورثه الانبیاء».

۴. «فارجعوا فیها إلی رواه حدیثنا فإنهم حجتی علیکم...».

بدون غرض و پیش فرض، صرفاً به دنبال کشف حکم الهی در چارچوب مقرر شرع باشند.

در طول تاریخ، صدمات بی شماری به دلیل صدور فتواهای نادرست از سوی افراد فاقد صلاحیت واقع شده است، که برخی از این فتواها، با سوءنیت و برخی از روی جهالت به عنوان حکم خداوند مطرح شده و منشأ آسیب‌های فراوان شده‌اند؛ همانند آنچه از آثار فتاوای علمای سلفی توسط گروه های بنیادگرای مذهبی در امروزه مشاهده می‌نماییم. همین آثار، اهمیت تحقیق پیرامون مسئولیت‌های ناظر بر افتاء را بیش از پیش آشکار می‌سازد. ضمان مفتی در قبال اتلاف و جنایتی که توسط مستفتی واقع شود در فقه امامیه و عامه مورد تایید قرارگرفته است؛ درکتب روایی شیعه در ذیل ابوابی چون «أَنَّ الْمُفْتِيَ إِذَا أَخْطَأَ أَثِمَ وَ ضَمِنَ»(حرعاملی،۱۴۰۹: ۲۰/۲۷)، «أَنَّ الْمُفْتِيَ ضَامِنٌ»(اصفهانی، مجلسی دوم،۱۴۰۴: ۲۶۹/۲۴)، ضمان مفتی به رسمیت شناخته شده است. در فقه اهل سنت نیز نظر غالب ضمان مفتی در قبال جنایت واقع شده است و اختلاف فقها فقط در شرایط لازم برای تحقق مسولیت مفتی است. در خصوص مسولیت ناشی از إفتاء، تاکنون تحقیق مستقلی در ایران انجام نشده است، اما در برخی منابع به صورت مختصر به این موضوع پرداخته شده است از جمله، مقاله مسولیت مدنی ناشی از تقنین، نوشته محمد جواد ارسطا و مهدی ممی زاده. در پژوهش حاضرکه نخستین تحقیق مستقل در حقوق ایران در خصوص مسولیت ناشی از إفتاء می باشد، تلاش شده تا مسأله در دو بخش جداگانه بررسی شود. در ابتدا، مسولیت ناشی از إفتای غیرمجاز از منظر حقوق کیفری ایران و مالزی مورد بررسی قرار می گیرد و پس از آن ضمان ناشی از افتاء بر مبنای قواعد تسبیب مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

۱- مسولیت کیفری ناشی از إفتاء غیرمجاز در حقوق کیفری ایران و مالزی

در این بخش مسولیت کیفری ناشی از نقض ضوابط فتوی و صدور غیرقانونی فتوی مورد بررسی قرار می گیرد. بدین منظور ابتدا افراد صالح جهت فتوادهی مشخص و

پس از آن، فرآیند افتاء و مجازات افتای غیرقانونی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

۱-۱- مقام صلاحیت دار جهت صدور فتوی

در کشور مالزی، صدور فتوی صرفاً در صلاحیت افرادی نهاده شده است که توسط حاکمیت تعیین شده باشد و غیر از افراد مذکور هرکس در امر افتا مداخله نماید مجرم است. إفتاء به اجماع و اتفاق فقها، عملی حاکمیتی است(طباطبایی بروجری، بی تا: ۸/۳۰) و مالزی از جمله کشورهایی است که در آن صدور فتوی دارای محدودیت و چارچوب های خاصی است.[۱] در این کشور، تا قبل از اصلاحاتی که در

---

۱. در خصوص اشخاص صلاحیت دار برای إفتاء، دو رویکرد در کشورهای اسلامی وجود دارد، به این ترتیب که برخی از کشورها از جمله مالزی، اردن، لیبی، بروئنی و فلسطین، با تصویب قوانین محدود کننده، إفتاء را در صلاحیت افرادی می دانند که توسط حاکمیت تعیین شده باشند؛ برای نمونه، در دولت بروئنی مطابق ماده ۲۲۸ قانون جزایی مصوب ۲۰۱۳ Constitution of Brunei Darussalam, Syariah Penal Cod Order ۲۰۱۳)) هر مسلمانی به غیر از مفتی دولت بروئنی(مفتی کراجان) و شخصی که بر اساس اختیار ارجاع شده به وسیله قانون دادگاههای کادی(courts kadis) و شورای مذهبی، اقدام به صدور فتوا کند مجرم است و به جریمه ای که بیش از ۸ هزار دلار نباشد و یا حبسی که بیش از ۲ سال نباشد محکوم می گردد». به موجب قانون درالإفتاء فلسطین مصوب ۲۰۱۲) قرار بقانون رقم (۷) لسنة ۲۰۱۲م بشأن دار الإفتاء الفلسطينية(تصدی امر افتاء در فلسطین بر عهده درالإفتاء می باشد که مدیریت آن بر عهده مفتی عام است (ماده ۱۰) شورای عالی فتوا نیز نهاد دیگری است که در کنار دارالإفتا و به عنوان مرجع عالی، مدیریت امر إفتا در فلسطین را برعهده دارد(ماده ۱۶)؛ در لیبی نیز به موجب قانون دارالإفتا مصوب ۲۰۱۲) قانون رقم (۱۵) لسنة ۲۰۱۲م بشأن إنشا دارالإفتاء(صدور فتوا بر عهده دارالإفتا می باشد(ماده ۲). مفتی عام که مدیریت دارالإفتاء را بر عهده دارد(ماده ۸) با معرفی شورای دارالإفتا، و شورای تحقیقات و مطالعات شرعی(پس از انقضای مدت ریاست مفتی فعلی و یا توصیه به عزل وی) (ماده۲۲ و ۲۳) و با تصویب شورای ملی انتقالی لیبی یا کسی که جانشین آن گردد منصوب می شود(ماده ۶). در کشور اردن به موجب قانون إفتاء مصوب۲۰۰۶) قانون الإفتاء لسنة ۲۰۰۶(، دارالإفتا عام تصدی امر إفتا را برعهده دارد(مواد۳ و ۴) و مفتی عام به عنوان مسول اداره إفتاء، توسط پادشاه منصوب می گردد(مواد ۵ و ۶). در اندونزی علاوه بر مفتی، سه مجلس مهم اقدام به صدور فتوا در این کشور می کنند که عبارتند از: نهضت العلماء، مجلس محمدیه و مجلس العلماء. از میان سازمان های مذکور تنها مجلس العلماء نهادی دولتی است. مجلس العلماء در سال ۱۹۷۵ با هدف رابط میان دولت و جامعه مسلمان در سطح ملی تشکیل گردید و برای دولت و ملت، اقدام به صدور فتوا می کند و برای این منظور دارای کمیته فتوا است(Kaptein .G .J Nico,۲۰۰۴,p۱۲۰.) تعیین موسسات رسمی جهت صدور فتوی در کشورهای اسلامی روبه گسترش است برای مثال اتحادیه جهان

اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰، منجر به تصویب قوانین اجرای حقوق اسلامی شد صدور فتوی در ایالتهای مختلف بر عهده شورای مذهب اسلام بود و این شورا توسط خود و یا کمیته ای موسوم به کمیته شریعت اقدام به صدور فتوی می نمود؛ در مواردی که کمیته شریعت به اتفاق آرا نمی توانست فتوا دهد موضوع به شورای فتوا ارجاع می شد تا با اکثریت آرا حاضرین فتوی دهد. اما با اصلاح و معرفی قانون اجرای حقوق اسلامی، که نقطه شروع آن نیز در سال ۱۹۸۹ در ایالت سلانگور بود شورای مذهبی و مفتی و دادگاه شریعت از هم تفکیک شدند و موضوعات مرتبط با فتوا بر عهده دپارتمان مفتی قرار گرفت (Cit.Op ,Others And Nasohah Zaini, p۹۲۴).هم اکنون هر ایالت مالزی دارای یک دارالافتا است که توسط مفتی مدیریت می شود و درکنار آن نیز چندین کمیته فتوی وجود دارد که در شهرهای هر ایالت فعالیت می کنند وکمک کننده به دارالافتا می باشند. (p۱۸۰۸,۲۰۱۹ April , ,others and Khairuldin Wan Firdaus Khairul Mohd Wan)

در نظام حقوقی کنونی مالزی، در قوانین مختلف ایالتی و قلمروهای فدرال، افراد صلاحیت دار برای إفتاء مشخص شده اند، برای مثال، مطابق ماده ۳۲ قانون اجرای حقوق اسلامی(قلمروهای فدرال) مصوب۱۹۹۳ «یانگ دی پرتوان آگونگ[1] می تواند به پیشنهاد وزیر و پس از مشورت با مجلس، افراد مناسبی را به عنوان مفتی انتخاب نماید»[2]. مطابق ماده ۴ قانون فتوا ایالت صباح مصوب ۲۰۰۴ انتصاب مفتی به دو طریق می باشد:۱- به پیشنهاد مجلس و تایید وزیر، یانگ دی پرتوان آگونگ شخص مناسبی را برای فتوا انتخاب می کند،۲-به پیشنهاد مجلس و پس از مشورت با مفتی، یانگ دی

اسلام در مکه و شورای ایدئولوژی اسلامی در پاکستان(p۱,۲۰۱۵,Mehmood Ifzal Muhammad)؛ در برخی دیگر ازکشورهای اسلامی، مانند ایران و عراق و مصر، محدودیتی از این جهت تعیین نشده است. در مصر قانون محدویت فتوا در پارلمان مصر مطرح است که در صورت تصویب، صدور فتوی در صلاحیت انحصاری دارالإفتاء مصر قرار می گیرد

(https//:gate.ahram.org.eg/News.۲۴۴۰۶۲۵/aspx)

1. Yang di-Pertuan Agong(پادشاه مالزی)
2. Administration Of Islamic Law (Federal Territories) ACT 1993

پرتوان آگونگ شخص مناسب را تعیین می نماید[1]. در ایالت جوهور، مطابق ماده ۴۴ قانون اجرای مذهب اسلام مصوب۲۰۰۳« پادشاه پس از مشورت با مجلس، افراد مناسبی را به عنوان مفتی و نائب مفتی برای ایالت جوهور تعیین می نماید و این نصب باید در روزنامه رسمی اعلام گردد.[2] در ایالت سلانگور، در ماده ۶ قانون اجرای دادگاه شرعی، نصب مفتی و نائب مفتی بدون نیاز به مشورت با اشخاص و نهادها بر عهده پادشاه قرار داده شده است[3]. در ایالت ملاکا، وفق ماده ۳۲ قانون اجرای مذهب اسلام مصوب۲۰۰۲« یانگ دی پرتوان آگونگ، به توصیه مقامات دولتی و پس از مشورت با مجلس، مفتی و نائب مفتی را نصب می نماید».[4] در ایالت نگاری سمبیلان، مطابق ماده ۴۵ قانون اجرای مذهب اسلام مصوب۲۰۰۳، یانگ دی پرتوان آگونگ می تواند به پیشنهاد رئیس جمهور فرد مناسب را انتخاب کند و یا به پیشنهاد رئیس جمهور و پس از مشورت با مجلس، اقدام به نصب مفتی نماید.[5] در ایالت پاهانگ نیز طبق ماده ۳۴ قانون اجرای مذهب اسلام مصوب۱۹۹۱ نصب مفتی و نائب وی راساً بر عهده پادشاه قرار داده شده است.[6] در واقع مفتی و کمیته فتوا در ایالت های سلطنتی توسط سلطان آن ایالت منصوب می شوند و در ایالت های غیرسلطنتی توسط پادشاه یانگ دی پرتوان آگونگ منصوب می گردند (Fathullah Asni and others, ۲۰۱۹, ۳۶۳). زیرا در یازده ایالت مالزی مسولیت امور اسلامی بر عهده سلطان ایالت است و در چهار ایالت دیگر که فاقد سلطان هستند اما در قلمرو فدرالی قرار می گیرند امور اسلامی توسط پادشاه یانگ دی پرتوان آگونگ اداره می گردد(p۴۵,۲۰۱۱,muhamad Nazlida). از منظر سلسله مراتب ساختاری، همه ایالات دارای سه مقام اصلی هستند که شامل مفتی، نائب مفتی و منشی می گردد، البته در

1. Fatwa Enactment 2004
2. Administration of the Religion of Islam (State of Johor) Enactment 2003
3. Administration of the Syariah Court Enactment 1982
4.Administration of the Religion of Islam (State Of Malacca) Enactment 2002
5. Administration of the Religion of Islam (Negeri Sembilan) Enactment 2003
6. Administration of Islamic Law Enactment 1991

برخی ایالات در ترکیب کمیته فتوا و تعداد اعضای کمیته، تفاوتهایی وجود دارد؛ برای نمونه، در ایالت سلانگور مشاور حقوقی دولت نیز عضو کمیته است. در ایالت کلانتان تعداد اعضای کمیته ۸ تا ۱۵ نفر است در حالی که در ایالت پراک، اعضا ۲ تا ۵ نفر هستند.(Ibide)

همانگونه که از مقررات فوق مشاهده می گردد، نصب مفتی در ایالت های مختلف مالزی و قلمروهای فدرالی در صلاحیت انحصاری پادشاه است و تفاوت ایالت ها در این خصوص، صرفاً به مقامات صالح جهت پیشنهاد دادن فرد صالح به پادشاه و مقامات و نهادهای صالح طرف مشورت با پادشاه بر می گردد. در مقررات فوق، جزییاتی در خصوص اینکه فرد مناسب برای فتوی دارای چه شرایطی است وجود ندارد، اما با این وجود، در عمل، مفتی دارای حداقل مدرک لیسانس می باشد(cit.op ,others and Asni Fathullah). در ایالت های مختلف، مفتی و یا کمیته فتوی(که مدیریت آن برعهده مفتی است) تقریباً در هر موضوعی می توانند به تفسیر حقوق اسلامی بپردازند و فتوای اعلامی پس از انتشار در روزنامه رسمی برای تابعین همان ایالت، الزام آور خواهد بود(https ,Ahmad Alizeh:// blog.islamiclaw, Posted ۲۰۱۸on). به طور کلی، مقررات مربوط به صلاحیت مفتی در ایالت های مختلف یکسان است و تفاوت زیادی در این خصوص با یکدیگر ندارند و این موضوع را می توان تلاش برای «استانداردسازی فتوا» دانست(and Asni Fathullah .(p۳۶۴,cit.op,others

در ایران، تاکنون قانونی که تعیین کننده ضوابط و یا محدودیتی در خصوص فتوی باشد تصویب نگردیده است؛ لذا حاکمیت نقشی در نصب و عزل مفتی ندارد و جهت تعیین افراد صالح در خصوص افتاء باید به منابع فقهی رجوع نمود. در این خصوص دو دیدگاه میان فقها وجود دارد، مطابق دیدگاه اول، فتوی منصب است و صرفاً افرادی که منصوب از طرف معصوم هستند حق صدور فتوی را دارند، شیخ مرتضی انصاری در این باره می نویسد«للفقیه الجامع للشرایط مناصب ثلثه: الاول, الافتاء فیما یحتاج الیها العامی فی عمله ومورده المسائل الفرعیه... لااشکال ولا خلاف ثبوت هذا المناصب للفقیه.»

(انصاری، شیخ مرتضی،۱۴۱۵: ۴۹) وی معتقد است در ثابت بودن منصب افتإ برای فقیه در دوران غیبت، تردید و اشکالی نیست(میراحمدی، منصور،۱۳۷۷: ۷/۳) برخی در این خصوص نوشته اند« طبق احادیث، فقهاء در عصر غیبت بالخصوص از جانب ولیّ امر (عج) برای مرجعیّت فتوایی تشیّع نصب شده‌اند و این مقام والا و مسؤولیّت خطیر به عنوان «منصب» براي فقهای شایسته و جامع الشراط ثابت است، زیرا جمله «فإنّهم حجّتی علیکم و أنا حجّة الله»، به صراحت این مطلب را می‌رساند بنابراین در «منصب» بودن «مرجعیّت فتوی» در عصر غیبت بحثی نیست و روایات مربوطه این جهت را به خوبی اثبات می‌کند»(معرفت، محمد هادی،۱۳۷۷: ۱۳۷/۱) آقا ضیاء عراقی می گوید« ان الافتا منصب مختص بالمعصوم و بعده من یکون منصوبا عنهم و مجتهد الجامع الشرائط»(عراقی،ضیا الدین،۱۳۸۸: ۴۱۰).

در مقابل دیدگاه فوق، برخی از فقهای معاصر معتقدند افتا منصب نیست و در نتیجه نصب و عزل آن نیازمند اذن نمی باشد. امام خمینی می فرماید«أنّ هذا بعینه هو الموضوع لجواز الإفتاء؛ لعدم کونه من المناصب المفتقرة إلی الإذن و النصب، بل هو إظهار لرأیه الذي یجوز له العمل علی وفقه» افتاء عبارت است از اظهار رای مجتهد که می تواند عملش را طبق آن انجام دهد و از مناصبی نیست که نیازمند اذن و نصب امام باشد(موسوی خمینی،۱۴۱۸: ۵۹۱/۴). موسوی اردبیلی درکتاب فقه القضا بیان می دارد« کونه«قضا» منصباً مجعولًا حکومیّاً بخلاف الإفتاء و الاجتهاد» و بدین ترتیب ایشان افتا را منصب نمی داند(موسوی اردبیلی،۱۴۲۳: ۶/۱).آیت الله مکارم می فرماید: دلیلی بر منصب بودن افتا نداریم(مکارم شیرازی،۱۴۲۵: ۳۹۶). موسوی خلخالی می نویسد« ولایت فتوا به معنای حق اظهار نظر در مسائل شرعی می باشد. ثبوت آن برای فقیه هیچ جای تردید نیست؛ زیرا وجود چنین سمتی برای فقیه، یک واقعیت علمی است؛ چه آنکه فقیه همانند دیگر صاحب نظران است که در علوم تخصصی خود حق اظهار نظر دارد. بدین سبب ولایت فتوا قابل سلب نیست، چون یک واقعیت انکارناپذیر است(موسوی

خلخالی،۱۳۸۰: ۲۴۷). مطابق این دیدگاه افتا وظیفه و تکلیف فقیه جامع الشرایط است و در صورتی که خطری او را تهدید نکند صدور فتوا بر وی واجب است(عاملی، محمد بن مکی، ۱۴۰۰: ۴۸/۲).

لذا می توان گفت نتیجه دو دیدگاه فوق الذکر یکی است و برخلاف برخی از کشورهای اسلامی دارای محدودیت از جمله مالزی، در حال حاضر در ایران، نه تنها حاکمیت بلکه هیچ نهاد خاصی متولی نصب و عزل مفتی نیست وکلیه فقهای جامع الشرایط دارای صلاحیت افتا هستند.

درکشور مالزی و سایرکشورهای دارای محدودیت، إفتاء، منصبی حکومتی است و مفتی عموماً توسط بالاترین مقام آن کشور منصوب می گردد و البته این موضوع ممکن است موجب صدور فتاوی جهت دارگردد و إفتاء به ابزاری جهت پیشبرد سیاست های حاکمیت تبدیل شود؛ لذا ضروری است به منظور رفع ایراد عدم استقلال متولیان صدور فتوی درکشورهای محدودکننده، مفتی نه توسط حکومت، بلکه توسط شورایی از فقها و علمای برجسته که دارای استقلال مالی و اداری می باشد انتخاب گردند، به این صورت که تصمیم گیرنده نهایی، رای اکثریت همان شورا باشد و فتواهایی که خارج از چارچوب این شورا صادر می گردند، غیرقانونی تلقی گردند. درواقع، وجود نهادی همچون دارالإفتاء در همه کشورهای اسلامی ضروری است، البته نه به شکل کنونی، بلکه با ساختار و طرز کاری کاملاً مستقل.

۱-۱-۱- فرآیند صدور فتوی

در مالزی مطابق قوانین اجرای مذهب اسلام در ایالتهای مختلف فرآیند افتاء در این کشور، کاملا مشخص شده است؛ برای نمونه در ایالت ملاکا مطابق ماده ۳۵ و ۳۶ قانون اجرای مذهب اسلام مصوب۲۰۰۲ [۱] فتوادهی در این ایالت بر عهده کمیته فتوا

۱. مفاد این ماده با عنوان فرآیند صدور فتوا، در ماده ۴۳ قانون اجرای مذهب اسلام ایالت جوهور مصوب ۲۰۰۳ ، ماده

است وکمیته به ابتکار خود یا به دنبال دستور پادشاه و یا استفتائات ارسالی برای مفتی، اقدام به فتوادهی در خصوص هر سوال حل نشده یا موضوع بحث برانگیزی در ارتباط با حقوق اسلام می کند (ماده ۳۵). قبل از تشکیل جلسه کمیته برای صدور فتوا، مفتی می تواند دستور هرگونه مطالعه و تحقیقی در رابطه با موضوع مورد بحث را اعلام کند. در این خصوص واحد تحقیق دپارتمان توسعه اسلامی مالزی ابتدا بررسی می کند که در خصوص سوال ارسالی سابقاً فتوایی صادر شده است یا خیر، اگر فتوایی نبود، مقاله تحقیقاتی برای موضوع آماده می شود و پس از آن مقاله در هیئت تحقیق شریعت[1] مطرح می گردد این هیئت آماده سازی مقاله پیشنهادی جهت طرح در شورای ملی افتاء را برعهده دارد، اگر هیئت تشخیص دهد که موضوع در سطح این هیئت قابل حل است و نیاز به مباحث بیشتری ندارد اقدام به صدور فتوا می کند در غیر اینصورت موضوع برای شورای فتوا ارسال می گردد؛ هم شورای فتوا و هم هیئت تحقیق شریعت برای بررسی موضوع در صورت لزوم می توانند از متخصصان نیز دعوت کنند (OTHERS AND ISA MUNIRAH NOOR ,۲۰۱۴, ۵)؛ دعوت اعضا برای رسیدگی به موضوع برعهده مفتی می باشد. پس از فتوادهی کمیته، مفتی باید فتوا را به نام کمیته فتوی برای مجلس ارسال کند و مجلس نیز ممکن است پس از بررسی فتوا، در قالب توصیه نامه، فتوا را برای موافقت سلطان با انتشار فتوا در روزنامه رسمی برای

---

۳۶ قانون اجرای مذهبی اسلام ایالت پراک مصوب ۲۰۰۴ ، ماده ۴۹ قانون اجرای مذهب اسلام ایالت نگاری سیمبلیان مصوب۲۰۰۳، ماده ۸ قانون فتوا ایالت صباح مصوب ۲۰۰۴ ، ماده ۴۸ قانون اجرای مذهب اسلام ایالت سلانگور مصوب۲۰۰۳ ، ماده ۴۸ قانون اجرای مذهب اسلام ایالت پرلیس مصوب۲۰۰۶ ، ماده ۵۰ قانون اجرای مذهب اسلام ایالت ترنگانو مصوب ۲۰۰۱ نیز تکرار شده است.

در قانون سابق اجرای مذهب اسلام در ایالت ترنگانو مصوب ۱۹۵۵ نهادی به نام «موسسه فتوا» متولی امر افتاء در این ایالت بود و مقامی به نام «کمیسیونر» مامور بررسی اولیه سوالات واصله به موسسه بود؛ در صورتی که سوالات در رابطه با حقوق اسلام بودند آنها را برای مفتی ارسال می کرد و اگر سوال ارسالی در رابطه با حقوق عرفی بود آن را برای مجلس ارسال می کرد(ISHAK OTHMAN, OF MAKING THE "FATW" IN MALAYSIA ,Studies Islamic ,Vol. ۲۸, No. ۴ (Winter ۱۹۸۹),p۴۱۵

۱. این هیئت شامل مفتی، دانشگاهیان از دانشگاههای محلی و مدیر واحد تحقیق می گردد.

وی ارسال کند. توصیه نامه مذکور باید حاوی توضیحات و نقطه نظرات خود مجلس نیز باشد، البته اگر مجلس چنین توضیحاتی را لازم بداند. وقتی که فتوا مورد موافقت سلطان واقع شد، مجلس، فتوا را به اطلاع دولت ایالتی رسانده و دستور انتشار آن را در روزنامه رسمی می دهد. انتشار فتوا بر عهده دولت ایالتی خواهد بود. فتوای اعلامی باید با زبان ملی منتشرگردد(ماده۳۶) و مطابق ماده ۳۷ پس از انتشار و اطلاع برای مسلمانان ایالت ملاکا الزام آور خواهد بود و می بایست توسط تمامی دادگاهها به رسمیت شناخته شود. ایالت سلانگور نیز در فرآیندی مشابه با ایالت ملاکا، صدور افتا دارای چهار مرحله است: الف) تقاضای مفتی برای تحقیق جهت آماده شدن فتوی ب)تشکیل جلسه دادن کمیته فتوی توسط مفتی به منظور بحث و بررسی راجع به فتوی پیشنهادی ج) آماده نمودن فتوی توسط کمیته فتوی د)ارائه دادن فتوی به مجلس توسط مفتی و ارسال فتوی توسط مجلس برای سلطان جهت تایید و انتشار در روزنامه رسمی. فتوای منتشر شده به عنوان قانون الزام آور در دادگاهها اجرا خواهد شد(Ahmad Alizeh,۲۰۱۸, p۴).در ایالت پاهانگ مطابق ماده ۳۶ قاون اجرای مذهب اسلام مصوب ۲۰۰۸، صدور فتوا بر عهده مفتی قرار داده شده است. مطابق ماده مذکور مفتی به ابتکار خود یا به درخواست هر شخصی که از طریق نامه، استفتایی را مطرح کرده باشد و یا به دستور سلطان اقدام به صدور فتوا می کند و فتوای اعلامی نیز در صورت لزوم در روزنامه رسمی منتشر می گردد و در صورت وجود دستور پادشاه باید در روزنامه رسمی منتشرگردد و پس از انتشار نیز برای کلیه مسلمانان ایالت پاهانگ الزام آور خواهد بود مگر آنکه به حکم شریعت مجوزی برای استثناء شدن برخی در موضوعاتی خاص وجود داشته باشد. همانند ایالت ملاکا، فتوای اعلامی باید با زبان ملی منتشرگردد و توسط دادگاهها به رسمیت شناخته شود. در ایالت کداح مطابق ماده ۳۶ قانون اجرای مذهب اسلام مصوب ۱۹۶۲ هر شخصی می تواند استفتاء خود را در رابطه با هر موضوعی از حقوق اسلامی برای منشی کمیته فتوا ارسال کند؛ پس از واصل شدن درخواست، منشی موضوع را فوراً به مدیرکمیته ارائه می دهد.

کمیته فتوی باید به تمام درخواست های ارسالی رسیدگی کند مگرآنکه عقیده داشته باشد که رسیدگی به سوال ارسالی بیهوده باشد یا دلیل موجهی برای عدم پاسخ به آن داشته باشد. البته کمیته می تواند هر زمانی که بخواهد هر حکم یا تصمیمی را صادر و منتشر کند. در هریک از دادگاههای مدنی اگر موضوعی در ارتباط با حقوق اسلامی در تصمیم گیری دادگاه موثر باشد و چنین دادگاهی تقاضای اظهارعقیده کمیته را داشته باشد، کمیته به موضوع رسیدگی کرده و پاسخ استفتاء دادگاه را ارائه خواهد داد. طبق ماده ۳۴ قانون اجرای مذهب اسلام(قلمروهای فدرالی) مصوب۱۹۹۳ صدور فتوا بر عهده مفتی است و تا زمانیکه فتوای اعلامی در روزنامه رسمی منتشر نشده است الزام آور نخواهد بود.در سطح فدرال، کمیته فتوی زیر نظر شورای ملی امور اسلامی مالزی(MKI) قرار دارد(P۴۸۹,۲۰۲۳,Abidin Zainal Hazirah Nur) و فرآیند افتا ازکمیته ای موسوم به کمیته ملی فتوا شروع می شود و تا زمانی که فتوای صادره به تایید کمیته ایالتی فتوی نرسیده لازم الاجرا نمی باشد(P۱۶۹,۲۰۱۴,Buang Hidayat Ahmad)از مجموع مقررات مذکور، می توان گفت که فرآیند صدور فتوا در ایالتهای مختلف مالزی و قلمروهای فدرالی تقریبا مشابه است و صدور فتوا ممکن است به دستور پادشاه و یا تقاضای سایر افراد جامعه باشد و ممکن است استفتاء از طرف مراجع قضایی صورت بگیرد و یا به ابتکار خود کمیته فتوا یا مفتی باشد. در برخی از ایالتها، افتاء دارای فرایندی طولانی تر و پیچیده تر است به نحوی که بررسی مجلس و موافقت پادشاه نیز در فرآیند آن قرار می گیرد ،اما در برخی دیگر، فتوای اصداری، مستقیماً برای انتشار ارسال می گردد. درکلیه ایالات، فتوای منتشر شده صرفاً برای مسلمانان همان ایالت الزام آور است.

در ایران برخلاف مالزی، به دلیل عدم قانونگذاری در حوزه فتوی، فرآیند خاصی از منظر قانونی در زمینه صدور فتوی وجود ندارد. اما در عمل دو روش برای صدور فتوی وجود دارد: روش اول، انتشار مجموع فتاوی مجتهد در قالب رساله عملیه است. در این روش مردم به شیوه ای غیرمستقیم و با دسترسی به رساله مجتهد پاسخ های خود را

دریافت می کنند؛ درواقع، مجتهد، به ابتکار خود و بدون آنکه لزوماً استفتائی صورت گرفته باشد دیدگاههای خود را در خصوص احکام و عبادات و بعضاً مسائل مستحدثه منتشر می نماید. همچنین در این روش،گاه، مجموع پاسخ های مجتهد به استفتائات مختلف به صورت مکتوب یا الکترونیکی منتشر می گردد و علاوه بر راهگشا بودن برای مقلدین، مانع طرح سوالات تکراری خواهد بود. درگذشته، فقها با تکیه بر روش اهل احدیث صرفاً با تکیه بر آیات و احادیث به سوالات شرعی پاسخ می دادند کتابهایی چون مقنع، من لایحضر الفقیه،کافی، نهایه و مهذب به همین شیوه نگارش یافته اند؛ اما باگذشت زمان و بروز مسائل نوپیدا، فقها مجبور به استنباط و نوشتن کتابهایی جهت پاسخ به استفتائات شدند، کتابهایی چون جوابات المسائل النیسابوریه شیخ مفید، جوابات المسائل الموصلیه سید مرتضی وجواهر الفقه قاضی ابن براج در همین خصوص نگارش یافته اند. (مجله حوزه، مراجع صاحب رساله، ۱۳۷۲، شماره ۵۶ و ۵۷) نگارش رساله علمیه به سبك و شیوه کنونی، نخستین بار توسط شیخ بهائی(م:۱۰۳۱ ه ق) درکتاب «جامع عباسی» آغاز شد و شیوه نگارش آن تاکنون ادامه یافته است(یزدانی، عباس، ۱۳۷۶، ۷/۱۳) امروزه نیز به دلیل افزایش جمعیت مسلمانان و عدم امکان پاسخگویی به همه آنها وگسترش سواد میان مسلمانان، مراجع تقلید از شیوه انتشار رساله عملیه و یاکتابهایی با موضوع پرسش و پاسخ، جهت پاسخگویی به سوالات شرعی مقلدین خود بهره می برند. این رساله ها به خاطر نثر روان و دربرداشتن مسائل نوظهور برای مکلفین راهگشا می باشند.(مجله حوزه، ۱۳۷۲، شماره ۵۶ و ۵۷) بدین ترتیب با این روش، مقلدین پاسخگویی به بسیاری از سوالات خود را دریافت می نمایند و این موضوع، مانع مراجع مستقیم مردم به مجتهد می گردد. روش دوم: مراجعه مستقیم مقلد به مجتهد، در این روش مقلد پاسخ خود را در رساله مجتهد پیدا نمی کند و به همین دلیل استفتاء خود را برای دفتر مجتهد ارسال می نماید. در این روش، استفتاء واصله توسط دفتر مجتهد مورد بررسی اولیه قرار می گیرد و پرسش های واصله دارای سه وضعیت هستند، الف) سوالات تکراری، در صورتی که

سوال مطرح شده تکراری باشد و قبلاً توسط مجتهد پاسخ داده شده باشد همان پاسخ را برای مقلد ارسال می کنند ب) سوالات غیرقابل طرح، در این خصوص دفاتر برخی از مراجع برخی از پرسش ها را غیرقابل رسیدگی اعلام نموده اند برای مثال دفتر آیت الله سیستانی پرسش های حاوی نام شرکتها یا مؤسسات تجاری،سؤالات متعدد و طولانی یا فرضی و دارای مباحث علمی و استدلالی،موارد نزاعی یا امور حساسی که پاسخ گویی به آنها مصلحت نباشد و پرسش های متعلق به فرد یا جهتی غیر از صاحب استفتا را غیرقابل رسیدگی اعلام نموده اند(/org.sistani.www//:https) دفتر آیت الله وحید خراسانی نیز سؤال درباره شخصیت هاي حقیقی و حقوقی،سؤال هایی که محل ابتلا نیست، مانند سؤال فرضی یا سؤال علمی یا شرح عبارت رساله عملیه،سؤال مربوط به موارد نزاع و دعاوی و سؤال از وقف و وصیت(به دلیل نیاز به وقف نامه و وصیت نامه) را غیرقابل طرح اعلام نموده است(/com.wahidkhorasani//:http) ج) سوالات قابل طرح، در صورتی که سوال مطرح شده جز موارد مذکور در بند الف و ب نباشد نزد مجتهد مطرح می شود و پاسخ مجتهد برای مستفتی ارسال می گردد. لذا در ایران نیز همانند مالزی هرسوالی نزد مفتی مطرح نمی گردد. لازم به ذکر است که در ایران نیز همانند مالزی مفتی می تواند به ابتکار خود در خصوص موضوعات اجتماعی، سیاسی و ... اقدام به صدور فتوی کند و استفتائات واصله از سمت اشخاص حقوقی نیز قابل رسیدگی است.

۲-۱-۱- مجازات افتای غیرمجاز

در قوانین جزایی شرعی ایالت های مختلف مالزی با عناوین مجرمانه ای چون« عقیده مخالف با فتوا»، « صدور غیرقانونی فتوا»، « دکترین غلط » و« صدور فتوا» هرگونه اظهارنظر یا فتوایی در رابطه با آموزهای اسلامی و حقوق اسلامی که در تضاد با فتوای مورد تایید حاکمیت باشد، جرم انگاری شده است. در ایالت پنانگ مطابق قانون جرایم جزایی شرعی مصوب ۱۹۹۶ و در بخش جرایم علیه قداست مذهب، ماده ۱۲ مقرر می

دارد« هرکس، هرگونه عقیده ای را در ارتباط با آموزه های اسلامی، حقوق اسلامی و هر موضوع دیگری را در مخالفت با هر فتوایی که در حال حاضر در ایالت پنانگ اجرا می شود ابرازکند یا رواج دهد یا منتشرکند مجرم است و باید به جریمه ای که از سه هزار رینگیت تجاوز نکند یا به حبس حداکثر دو سال و یا هر دوی این مجازاتها محکوم گردد»[1].همین ماده عیناً در قانون جرایم جزایی شرعی ایالتهای پاهانگ[2]،ایالت جوهور[3]،قلمروهای فدرال[4]،سلانگور[5] و ترینگانو[6] آمده است. با توجه به واژه« هرکس» در ابتدای ماده می توان گفت همه افراد اعم از مجتهد و غیر مجتهد می توانند مشمول این ماده گردند؛ رفتار فیزیکی لازم برای تحقق این جرم نیز به صورت فعل مثبت ابرازکردن و یا ترویج و انتشار عقیده خلاف ابراز شده است، لذا جرم موضوع این ماده با ترک فعل محقق نمی گردد. جرم موضوع این ماده جرمی مطلق است و صرف ابراز و ترویج عقیده خلاف، حتی اگرکسی آن را نپذیرد و به آن عمل نکند موجب تحقق این جرم خواهد شد. از نظر رکن روانی نیز این جرم نیازی به سونیت خاص ندارد. در ایالت سلانگور در تتمیم مجازات فوق الذکر تاکید شده است که « دادگاه می تواند دستور دهد که هرگونه سند یا ابزاری که دربرگیرنده عقیده اشاره شده در بند ۱ باشد ضبط و امحاء گردد علیرغم اینکه ممکن است هیچ شخصی در ارتباط با چنین عقیده ای محکوم نشده باشد». در این رابطه در پرونده ای گروه خواهران اسلام(Forum SIS) که در زمینه حقوق زنان فعالیت می کرد به دلیل تعارض فعالیت آن با فتوایی در ایالت سلانگورکه مفاد آن ممنوعیت فعالیت افراد، موسسات و نهادهایی بود که پایبند لیبرالیسم و پلورالیسم دینی بودند محکوم گردید (Mat Tuan Maimun Tengku and others,۲۰۲۲) همچنین در پرونده ای دیگر در ایالت

1. Syariah Criminal Offences (State of Penang) Enactment 1996
2. Syariah Criminal Offences Enactment 2013
3. Syariah Criminal Offences Enactment 1997
4. Syariah Criminal Offences (Federal Territories) ACT 1997
5. Syariah Criminal Offences (Selangor) Enactment 1995
6. Syariah Criminal Offences (Takzir) (Terengganu) Enactment 2001

سلانگور، سه زن به اتهام تجاوز از فتوی به دلیل شرکت در مسابقه زیبایی زنان مالزیایی دستگیر و هرکدام توسط دادگاه عالی شریعت به ۴۰۰ رینگیت محکوم گردیدند، در سال ۲۰۰۵ نیز صد زن و مرد بخاطر شرکت در چنین مسابقاتی به دلیل عدم اطاعت از فتوی محکوم گردیدند(Anwar Zainah,۲۰۱۳). ماده ۵۱ قانون جزایی ایالت نگری سمبیلان، با عباراتی مشابه ماده فوق الذکر بیان می دارد« هرشخصی که هرگونه فتوایی را به منظور مورد پیروی قرارگرفتن توسط مسلمانان در ارتباط با هرموضوعی از آموزه های اسلامی یا حقوق اسلامی اظهار یا منتشر نماید که مخالف با هرگونه فتوایی باشد که به صورت قانونی به وسیله مفتی که تحت حاکمیت شرع است صادر شده است مجرم است و باید به جریمه ای که بیش از ۵ هزار رینگیت نباشد یا حبسی که بیش از یکسال نباشد یا هردوی این مجازاتها محکوم گردد و فتوای وی اگر مکتوب باشد باید به طریقی که دادگاه حکم دهد ضبط و از بین برود و انتشار و فروش و پخش آن نیز باید متوقف شود»[1]. از مهمترین تفاوت های این ماده با ماده ۱۲ قانون جزایی ایالت پنانگ این است که در این ماده صرفاً صدور فتوایی که در تعارض با فتوای رسمی باشد جرم انگاری شده نه هرگفتار یا نوشتاری. همین ماده عیناً درماده ۲۱ قانون جرایم ایالت پراگ[2] نیز مورد تاکید قرارگرفته است. با توجه به اطلاق ماده همه افراد اعم از مجتهد و غیر مجتهد مشمول این ماده می گردند. از نظر رکن مادی رفتار فیزیکی این جرم به صورت فعل مثبت اظهار و انتشار است و تحقق آن نیازی به وقوع نتیجه خاصی ندارد. از نظر رکن روانی نیز این جرم علاوه بر سونیت عام نیازمند سونیت خاص است و مرتکب باید به قصد اینکه فتوای وی توسط مسلمان مورد تبعیت قرار بگیرد اقدام به صدور فتوی نموده باشد. در قانون جزایی ایالت کلانتان و در زیر عنوان مجرمانه «تکفیر» مقرر شده است« هرشخصی که هرگونه فتوایی که توسط مراجع دینی صادر شده است را به اشتباه تفسیر کند مجرم است و باید به حبسی

1. Syariah Criminal (Negeri Sembilan) Enactment 1992
2. Crimes (Syariah) Enactment 1992

که بیش از سه سال نباشد یا جریمه ای که بیش از ۵ هزار رینگیت نباشد یا هردوی این مجازاتها محکوم گردد»[1]. در خصوص این ماده باید گفت که به نظر می رسد تحقق جرم تفسیر اشتباه افتاء، نیازمند وجود سونیت است؛ لذا اگر فردی با حسن نیت و بدلیل عدم بضاعت علمی، فتوای مفتی را به اشتباه تفسیر کند مشمول این ماده نخواهد شد. در ماده ۳۵ قانون جزایی ایالت پرلیس مقرر شده است« هرشخصی که به صورت شفاهی یا کتبی در پاسخ به هر پرسشی که در ارتباط با حقوق اسلامی باشد فتوای رسمی دهد یا صادر کند یا مدعی آن باشد به جریمه ای که بیش از ۵ هزار رینگیت نباشد یا به حبسی که بیش از سه سال نباشد یا هردوی آنها محکوم می گردد»[2]. طبق این ماده صرف صدور فتوا توسط هرشخصی که فاقد جواز صدور فتوی توسط حاکمیت است اعم از آنکه فتوای وی درست یا خطا باشد جرم است. در خصوص رکن روانی این جرم نیز صرف علم و عمد کافی است؛ لذا همین که شخص بداند فاقد مجوز افتا است و علیرغم آگاهی به این موضوع عامداً اقدام به صدور فتوا نماید مجرم است. در ایالت سلانگور در ماده ۷ قانون جزایی و در ذیل عنوان مجرمانه دکترین غلط (doctrine False) مقرر شده است« هرشخصی که در هر مکانی اعم از مکانهای عمومی یا خصوصی هر دکترینی را تعلیم دهد یا تدریس کند یا هر مراسم یا عملی را در ارتباط با مذهب اسلام انجام دهد، در صورتیکه این دکترین یا مراسم یا فعالیت در تضاد با حقوق اسلامی یا هرگونه فتوایی باشد که در حال حاضر در این ایالت اجرا می شود به جریمه ای که بیش از ۵ هزار رینگیت نباشد یا به حبسی که بیش از ۳ سال نباشد یا شلاقی که بیش از ۶ ضربه نباشد یا هرگونه ترکیبی از آنها محکوم می گردد»[3]. در ذیل این ماده و در تتمیم مجازات فوق مقرر شده است« دادگاه می تواند دستور دهد که هرگونه سند یا چیزی که در ارتکاب این جرم استفاده شده است ضبط

1. Syariah Criminal CODE 1985
2. Criminal Offences in the Syarak Enactment 1991
3. Syariah Criminal Offences (Selangor) Enactment 1995

و امحاء گردد؛ علیرغم اینکه هیچ شخصی در ارتباط با این جرم محکوم نشده باشد.[۱] در بخش جرایم مرتبط با قداست مذهب در قانون جزایی ایالت سلانگور در ماده ۸ برای اظهارات و ادعاهایی که خلاف آموزه های حقوق اسلامی باشد(claim False) مانند ادعای پیامبری یا علم به موضوعات ورای ادراک و دانش بشری، جریمه ای که بیشتر از ۵ هزار رینگیت نباشد یا حبسی که بیش از سه سال نباشد یا هردوی آنها تعیین شده است[۲]. در این خصوص، در پرونده ای فردی به نام عبدل کهر احمد[۳] در سال ۲۰۰۹ به اتهام انتشار دکترین غلط، ادعای پیامبر بودن، توهین به مذهب اسلام، عدم اطاعت از دستور مفتی و انتشار نظرات مخالف فتوای رسمی طبق قانون جزایی ایالت سلانگور مصوب ۱۹۹۵ و توسط دادگاه عالی شریعت به ۱۰ سال حبس و ۱۶۵۰۰ رینگیت جریمه و شش ضربه شلاق محکوم گردید(p۱,۲۰۱۰,others and Mahadi bin Syafiq Amirul). در ماده ۱۴ قانون مذکور نیز مقرر شده است« هرکسی که هر موضوعی را در ارتباط با مذهب اسلام بدون وجود اعتبارنامه اعطایی از طرف دولت تعلیم دهد یا تدریس کند مجرم است و به جریمه ای که از ۵ هزار رینگیت تجاوز نکند و یا حداکثر ۲ سال حبس یا هردوی این مجازاتها محکوم می گردد.(بند ۱ ذیل ماده ۱۴ قانون جزایی ایالت سلانگور). در ماده ۱۳ قانون جزایی ایالت ترینگانو مقرر شده است« هیچ شخصی به استثنای کمیته فتوی حق صدور فتوی را چه به صورت شفاهی و چه به صورت کتبی ندارد و در صورت ارتکاب به جریمه ای که بیش از ۵ هزار رینگیت نباشد یا به حبسی که بیش از دو سال نباشد محکوم خواهد شد»[۴]. در این رابطه در پرونده ای مقامات، فردی به نام حاجی مصطفی ابوبکر را به دلیل صدور فتوایی که اعضای سازمان ملی مالایی‌های متحد[۵] را صراحتاً کافر و مرتد نامیده بود به

---

۱. همین ماده عیناً در بند ۲ ماده ۲۲۸ قانون جزایی دولت برونئی مصوب ۲۰۱۳ و در ارتباط با فتوای صادره توسط افراد ناصالح تکرار شده است.

۲. مواد ۷ و ۸ قانون جزایی سلانگور در قانون جزایی ایالت ترنگانو نیز مورد تاکید قرارگرفته است.

3. Abdul Kahar Ahmad

4. Syariah Criminal Offences (Takzir) (Terengganu) Enactment

5. United Malays National Organisation

زندان محکوم کردند و اتهام وی را عدم صلاحیت در صدور فتوی اعلام نمودند(Razali others and Musa, ۲۰۱۸, p۱۱۶). در بخش ۹ قانون جزایی قلمروهای فدالی مصوب ۱۹۹۶ آمده است« هر شخصی که بگونه ای رفتارکند که توهین به مرجع دینی یا عدم اطاعت یا مقابله با دستورات یانگ دی پرتوان اگونگ و یا فتوی شورای مذهبی یا مفتی باشد مجرم است و به حداکثر سه هزار رینگیت جریمه و یا حداکثر دو سال حبس یا هردوی آنها محکوم می گردد»[1] همانگونه که از مواد متعدد و مرتبط ایالت های مختلف و قلمروهای فدرالی مشخص است، درکشور مالزی به دلیل ضابطه مند بودن صدور فتوا و تعیین اشخاص و مقامات صالح جهت فتوادهی توسط حاکمیت، در برخی از ایالت ها هرگونه اظهانظر مخالف با فتوای رسمی جرم انگاری شده و در برخی دیگر، این اظهارات مخالف در صورتی که در قالب فتوا باشد جرم تلقی شده است. صدور فتوا توسط افراد غیرصالح و تفسیر اشتباه فتوای رسمی، از دیگر جرایم مرتبط با حوزه إفتاء می باشد. برخی ایالت ها در تکمیل مجازات اصلی، اختیار ضبط و امحاء آثار منتشر شده توسط مفتی غیرصالح و دستور توقف فروش آن را نیز به مقامات قضایی داده اند.

در ایران، هرشخصی که به درجه اجتهاد نرسیده باشد و یا هر فقیهی که جامع الشرایط نباشد حق صدورفتوی را ندارند؛ اما در خصوص اینکه آیا رفتار چنین افرادی که از نظر فقهی غیرصالح می باشند قابل مجازات است یا نه باید به بررسی قوانین پرداخت. در قانون مجازات اسلامی در خصوص غصب عنوان مرجع تقلید مجازاتی پیش بینی نشده است و آنچه که در ماده ۵۵۵ قانون تعزیرات۱۳۷۵ در خصوص غصب عناوین آمده صرفاً مختص مداخله غیرمجاز در مشاغل دولتی است و با توجه به عدم مداخله دولت در نصب و عزل مرجع تقلید، عنوان مفتی شغل دولتی محسوب نمی گردد و مشمول ماده مذکور نمی باشد. در ماده ۱۴۵ پیش نویس لایحه تعزیرات(پیش نویس معاونت حقوقی و امور مجلس۱۴۰۱) مقرر شده است«هرکس بدون داشتن تأییدیه رسمی مراجع صالح

1. Syariah Criminal Offenses (Federal Territories) Act 1997-

تعیین‌شده توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی در مکاتبه‌های اداری یا تبلیغ عمومی از طریق رسانه‌های جمعی یا نطق در مجامع یا انتشار اوراق چاپی یا خطی و مانند آن برای خود از عناوین علمی و دینی از قبیل آیت‌الله، حجت‌الاسلام، دکتر، مهندس و مانند آن استفاده کند، به یکی از مجازات‌های اجتماعی درجه هفت محکوم می‌شود» و استفاده غیرمجاز از عنوان دینی مرجع تقلید می تواند مشمول ماده مذکور گردد. لذا در صورت تصویب لایحه مذکور می توان تصدی غیرمجاز عنوان مفتی در نظام کیفری ایران را جرم دانست، اما در حال حاضر مجازاتی برای رفتار مذکور پیش بینی نشده است. ماده ۹۴ لایحه مذکور نیز برای افراد و یا گروه هایی که که دارای فعالیت آموزشی و تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل به شرع اسلام هستند تعیین مجازات نموده است و بدین ترتیب افراد و گروه هایی که بدون آنکه صلاحیت داشته باشند در امور دینی مداخله نموده و در تغایر با شرع اسلام به افراد آموزش می دهند مشمول این ماده قرار خواهند گرفت.

بنابراین اگر در ایران، عنوان مفتی همانند حقوق مالزی منصبی حکومتی بود تصدی غیرمجاز آن می توانست مشمول ماده ۵۵۵ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ گردد، اما در حال حاضر که نظام حاکم، مداخله ای در نصب و عزل مفتی ندارد فقط در صورت تصویب پیش نویس لایحه تعزیرات می توان تصدی غیرمجاز عنوان مفتی را جرم دانست. در حال حاضر در خصوص مسولیت مفتی خلاء قانونی وجود دارد و عدم قانونگذاری در این حوزه، موجب هرج و مرج و سواستفاده افراد غیرصالح خواهد بود. لذا جرم انگاری افتای غیرمجاز امری ضروری است که می بایست مورد توجه قرار گیرد.

۲- ضمان ناشی از افتاء در حقوق کیفری ایران و مالزی

باتوجه به اینکه مبنای ضمان مفتی، سببیت وی در اتلاف یا جنایت واقع شده می باشد، جهت بررسی مسولیت وی در حقوق کیفری ایران، باید به قواعد حاکم بر ضمان ناشی از تسبیب رجوع نمود؛ بدین جهت، پس از بررسی تسبیب در قانون مجازات اسلامی

۱۳۹۲، به بررسی ضمان ناشی از افتاء در حقوق کیفری ایران و مالزی خواهیم پرداخت.

۱-۲- تسبیب در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

باتوجه به اینکه مبنای ضمان مفتی، سببیت وی در اتلاف یا جنایت واقع شده می باشد، جهت بررسی مسولیت وی باید به قواعد حاکم بر ضمان ناشی از تسبیب رجوع نمود. ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی در تعریف تسبیب می گوید«تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی شد مانند آنکه چاهی بکند وکسی در آن بیفتد و آسیب ببیند». به نظر می رسد، سبب در قانون مجازات اسلامی به معنای شرط است، به این معنا که اگر نبود، جنایتی واقع نمی شد. البته معیار «اگرنبود، جنایتی واقع نمی شد»[1] به تنهایی کافی نیست و بودن امری جهت وقوع نتیجه، برای تحقق سبب لازم است. به همین دلیل برخی فقهای متاخر برای احراز سببیت، ضابطه عرفی را مطرح می کنند(پورقهرمانی،۱۳۹۰ :۴۲؛ رستمی و کندسری،۱۳۹۵: ص۱۴۷-۱۴۹). ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی سابق، در اشتراک سبب و مباشر با تأسی از نظر جمهور فقها[2] اصولاً ضمان بر عهده مباشر قرار داده بود، اما ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی جدید با پذیرش ضمان نسبی(باتوجه به درصد تقصیر) که سالها در رویه قضایی علی رغم نبود مستند قانونی، مورد استناد دادگاهها قرار می گرفت(قیاسی،۱۳۸۶: ۷۸) تغیراتی اساسی

---

۱. معیاری که با اقتباس از منابع فقهی اخذ شده است؛ در متون فقهی با عبارت« ما لولاه لما حصل ...» بر این ضابطه تاکید شده است.(ر.ک یوسفی، حسن بن ابی طالب(آبی، فاضل)، کشف الرموز في شرح مختصر النافع، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، سوم، ۱۴۱۷ ه ق، ۶۴۶/۲ ؛ حسینی عمیدی، سید عمید الدین بن محمد اعرج، کنز الفوائد في حل مشکلات القواعد، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، بی تا، ۷۴۸/۳).

۲. از میان فقها، صاحب ریاض، تنها فقیهی است که معتقد است اقوی بودن مباشر، مانع ضامن بودن سبب نمی شود و اقتضای قاعده لاضرر این است که سبب و مباشر هردو ضامن باشند(جلال الدین، قیاسی، تسبیب در قوانین کیفری، نشر جنگل، چاپ سوم، ۱۳۹۴، ص۱۱۴)

در این خصوص بوجود آورده است.[۱] معیارهای گزینش علت مسئول، مخصوصاً در فرض اجتماع یا ازدحام علل موثر در وقوع جرم، همان معیارهای عرفی احراز علیت می باشند و مهمترین این معیارها، سرزنش پذیری رفتار و یا قابلیت پیش بینی نتیجه است و اساسی ترین ظوابط امروزین برای احراز عدوانی بودن و سرزنش پذیری رفتار، وضع روانی، علم و جهل وجنبه ی خطارکارانه بودن رفتار مسبب است(طاهری نسب،۱۳۸۹: صص۲۵۶ و ۲۳۲). با توجه به این ماده، مبنای اختلاف شرایط سبب و مباشر دو عامل می باشد، ۱-شدت و ضعف تاثیر هریک از سبب و مباشر در حدوث نتیجه، ۲- وضعیت روحی و خصوصیات روانی مباشر در زمان انجام فعل و تشخیص درجه تاثیر که تعیین کننده میزان مسولیت می باشد نیز به عرف واگذار شده است(صادقی،۱۳۹۳: ۱۱۱). بنابراین، هر گاه عرفاً، جنایت واقع شده، مستند به سبب و مباشر باشد، هردو به نسبت درجه تاثیر رفتارشان ضامن اند، مگر آنکه میزان تاثیر رفتارشان معلوم نباشد یا برابری تاثیر رفتار سبب و مباشر معلوم باشد؛که در این صورت به طور مساوی ضامن اند. برای احراز رابطه استناد نیز ملاک، داوری عرف می باشد[۲] و عرفاً مسئول بودن مباشر، منطبق بر اصل و مسئولیت سبب، نیازمند اثبات اقوی بودن آن است(امینی و عنایت تبار، ۱۳۹۷: صص۶و۱۱). از مصادیق اقوی بودن سبب از مباشر با توجه به حصری نبودن موارد مذکور در ماده ۵۲۶ق.م.ا و توجهاً به داوری عرف، می توان به مواردی چون مغرور شدن مباشر[۳]، مانند

---

۱. ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی« هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسؤول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است.»

۲. استناد نتیجه بر اساس داوری عرف در منابع فقهی نیز مورد تاکید قرارگرفته است؛ برای نمونه ر.ک حکیم، سید محسن طباطبایی، مستمسك العروة الوثقی، ۱۴ جلد، مؤسسة دار التفسیر، قم - ایران، اول، ۱۴۱۶ ه ق، ۸۰/۱۲

۳. علم و جهل شخص غارّ تاثیری در مسول قلمداد شدن وی ندارد؛ زیرا اگر مسولیت را بردوش مباشر قراردهیم در این صورت، بار جهل سبب(شخص غارّ) بر عهده مباشر گذاشته شده است؛ لذا، در غرور قصد شرط نیست (جلال الدین، قیاسی، تسبیب در قوانین کیفری، ص۱۲۱).

دادن داروی اشتباه توسط پرستار و به دستور پزشک، شاهد دروغگو(میرحسینی و آب سواران،۱۳۹۳: ۱۷۹) و ناچاری مباشر(میرمحمد صادقی،۱۳۹۲: ۵۲) اشاره نمود.

در خصوص رکن روانی سبب که در داوری عرف و انتساب نتیجه به سبب، نقش تعیین کننده را دارد، باتوجه به مواد مختلف قانون مجازات اسلامی، می توان بر لزوم وجود عدوان و تقصیر، نظر داد. البته، در مواردی که سبب و مباشر هردو دارای قصد مجرمانه هستند در این صورت، سبب، معاون در جرم است(پورقهرمانی،۱۳۹۰ :۴۸) ، زیرا مباشر به عنوان یک عامل مداخله گر مستقل رابطه علیت میان سبب و نتیجه را قطع نموده است(قیاسی،۱۳۸۶: ۸۶) ؛ اما، در مواردی که مباشر همچون سبب مقصر باشد، مباشر توان قطع رابطه سبب با نتیجه را ندارد(قیاسی،۱۳۹۴: ۱۴۷).

۲-۲- استناد جنایت به مفتی یا مستفتی

در حقوق کیفری ایران، صرف صدور غیرمجاز افتاء جرم نمی باشد؛ لذا، در صورتی که مستفتی به فتوای غیرمجاز عمل ننماید، مفتی غیرصالح مسولیتی نخواهد داشت؛ اما در صورتی که در نتیجه عمل به فتوی جنایتی واقع گردد نتیجه حاصله می تواند به مفتی یا عمل کننده به فتوی مستند گردد. در حقوق کیفری مالزی، برخلاف حقوق ایران صرف صدور غیرقانونی فتوی جرم است؛ لذا، اگر در نتیجه عمل به فتوای مفتی جنایتی رخ دهد در این صورت مفتی مرتکب دو جرم شده است. در حقوق کیفری ایران و مالزی هیچ گونه مقرره ی خاصی در خصوص مسولیت مفتی و مستفتی در قبال جنایت ناشی از افتا وجود ندارد، لذا، جهت تحلیل مسولیت مفتی و عمل کننده به فتوی در حقوق ایران باید به مواد مرتبط با تسبیب در جنایات رجوع نمود. در حقوق کیفری مالزی نیز باید به مجموعه قوانین کیفری مالزی مصوب۱۹۹۶ با اصلاحات ۲۰۱۷ (بخش جرایم علیه تمامیت جسمانی) رجوع نمود و مسئولیت مفتی و مستفتی را بر مبنای مقررات این بخش(مواد۲۹۹ تا ۳۰۴) تحلیل نمود. در ادامه بر مبنای قوانین مذکور، مسولیت مفتی و مستفتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۲-۲- تقصیر مفتی و جهل مستفتی

در حقوق کیفری ایران، هرگاه مفتی دارای اهلیت، به دلیل اهمال و تقصیر در بررسی ادله شرعی در استنباط حکم دچار خطا گردد، با توجه به موثر بودن حکم نادرست وی در وقوع ضرر و اینکه اگر فتوای وی نبود ضرری واقع نمی شد، نتیجه به وی مستند می گردد؛ البته استناد جنایت به مفتی، زمانی است که مستفتی علم به نادرست بودن حکم نداشته باشد و جاهل باشد. بنا براین، اگر مستفتی به مفتی که دارای اهلیت فتوا است رجوع کند و به دلیل تقصیر و خطای مفتی، جنایتی توسط مستفتی واقع گردد، در صورت جهل مستفتی به خطای مفتی و بدون توجه به اینکه عمل به فتوی را بر مستفتی واجب بدانیم یا نه، ضمان ناشی از جنایت واقع شده بر عهده مفتی است؛ زیرا، جهل مباشر و تقصیر سبب، مسولیت را متوجه سبب خواهد نمود و عرف مستفتی راکه به حکم شرع، جهت کسب تکلیف شرعی به مفتی صلاحیت دار رجوع نموده و جاهل به حکم درست شرعی است مسئول نمی داند.در این موارد مستفتی در حکم وسیله ای است که توان قطع رابطه سببیت میان رفتار مفتی و جنایت حاصله را ندارد. در این فرض، مفتی به دلیل وجود تقصیر، به مجازات مقرر برای جنایات شبه عمد محکوم خواهد شد. در مواردی نیزکه در علم و جهل مستفتی تردید داریم، جهل سابق وی استصحاب می گردد. در حقوق مالزی نیز با توجه به اینکه مقامات صلاحیت دار جهت افتا کاملا مشخص می باشد در صورتی که مفتی صلاحیت دار دچار خطای در افتا شود نتیجه حاصله به وی مستند می گردد زیرا مستفتی به وظیفه قانونی خود در رجوع به مقامات صالح جهت استفتا عمل نموده است، لذا در این فرض می توان طبق بند a ماده ۳۰۴، مفتی را به مجازات قتل توام با غفلت و بی احتیاطی که موجب حداکثر دو سال حبس یا جریمه و یا هردوی آنهاست محکوم نمود. غفلت و بی احتیاطی از مصادیق تقصیر می باشند.

۲-۲-۲- عمد مفتی و جهل مستفتی

در حقوق ایران، در فرضی نیزکه مفتی عالم به نادرست بودن فتوی خود می باشد، برای مثال، هنگامی که مفتی به دلیل منافع شخصی یا سیاسی و اقتصادی خود و یا افراد وگروه های مورد علاقه وی، فتوایی دهدکه اساساً حکم خداوند متعال نباشد، بلکه حکم شخصی وی برای پیشبرد اهداف و اغراض مورد نظرباشد و یا اینکه دیدگاههای شخصی خود را ملاک تفسیر قرار دهد و علیرغم کشف حکم درست، برای دیدگاه نادرست خود، اقدام به ادله سازی نماید و اقوالی راکه نظر اصولی نمی توان مستند حکم قرار داد را مستند قرار دهد، در این موارد، ما با سبب عالم و مباشر جاهل مواجه ایم، که در این خصوص همانگونه که در مبحث مفتی مقصر و مستفتی جاهل، مسولیت را متوجه عامل مقصر دانستیم، در اینجا نیز به دلیل عالم بودن مفتی، به طور اقوی، جنایت مستند به وی خواهد بود و مفتی به مجازات مقرر برای جنایات عمدی محکوم خواهد شد.در حقوق مالزی نیز مسولیت سبب عالم و عامد و مباشر جاهل در چارچوب قتل غیرقابل توجیه[1] تحلیل می شود؛ طبق ماده ۲۹۹ مجموعه قوانین کیفری مالزی مصوب۱۹۹۶ با اصلاحات ۲۰۱۷ فردی که با قصد قتل موجب مرگ دیگری گردد یا با قصد ایراد صدمه جسمانی که به احتمال زیاد منجر به مرگ خواهد شد مرتکب قتل گردد یا با این آگاهی که با چنین اقدامی احتمالا موجب مرگ دیگری خواهد شد موجب قتل دیگری گردد مرتکب قتل غیر قابل توجیه شده که مجازات آن طبق ماده ۳۰۴ در دو فرض اول حداکثر تا ۳۰ سال و جریمه نقدی و در فرض سوم حداکثر۱۰ سال یا جریمه و یا هردوی آنها خواهد بود. به عنوان نمونه قتل غیرقابل توجیه در ذیل ماده ۲۹۹ آمده شده است که: «الف» میداند که «ب» پشت بوته هاست و به قصد قتل وی و یا با علم اینکه اقدامش احتمالا منجر به مرگ وی می گردد شخص «ج» را تحریک می کندکه بوته ها را آتش بزند «ج» که بی اطلاع است اقدام به آتش زدن بوته ها می کند و این احتراق منجر به مرگ «ب» می گردد در

1. Culpable Homicide

این صورت «الف» که سبب مرگ «ب» شده است مرتکب جرم قتل غیرقابل توجیه شده است[۱]. در واقع، در قتل غیر قابل توجیه، شخص دارای همان رکن روانی قتل عمد است ولی بدون آنکه به صورت مستقیم دیگری را به قتل برساند مسبب مرگ وی می گردد. لذا در مواردی که قصد قتل و یا علم به آن وجود نداشته باشد قتل غیرقابل توجیه نخواهد بود(بند c ماده۲۹۹).

۳-۲-۲- تقصیر مفتی و علم مستفتی

در حقوق ایران، در فرضی که مفتی به دلیل اهمال و تقصیر در استنباط حکم صحیح دچار خطا گرد و مستفتی عالم به نادرست بودن فتوا باشد، ما با یک مباشر عالم و یک سبب جاهل مقصر مواجه ایم؛ که در این خصوص، قانون مجازات اسلامی، مسولیت را متوجه عامل عامد می داند؛ زیرا، به عنوان یک عامل مداخله گر مستقل، رابطه علیت میان سبب و نتیجه را قطع نموده است؛ تبصره ۱ ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی در بحث مسولیت پزشک مقرر می دارد«در موارد مزبور، هرگاه مریض یا پرستار بداند که دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف می شود و با وجود این به دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست بلکه صدمه و خسارت مستند به خود مریض یا پرستار است». ماده ۵۰۷ مقرر می دارد« هرگاه شخصی در معابر و اماکن عمومی یا ملک دیگری بدون اذن مالک، گودالی حفرکند یا چیز لغزنده ای در آن قرار دهد و یا هر عملی انجام دهد که سبب آسیب دیگری گردد، ضامن دیه است مگر اینکه فرد آسیب دیده با علم به آن و امکان اجتناب، عمداً با آن برخورد نماید». مطابق ماده ۵۱۲ نیز، عابری را که وجود وسعت راه و محل عمداً با شخص یا شی یا حیوانی که به صورت غیرمجاز در محلی متوقف شده اند

---

۱. مثالهای دیگری که در ذیل ماده ۲۹۹ آمده است به این شرح است: ۱- « الف» با حفاظی، سطح یک گودال عمیق را به قصد قتل« ب» و یا با علم به اینکه احتمالا منجر به مرگ« ب» می گردد می پوشاند «ب» با این تصور که سطح گودال سفت است روی آن پاگذاشته و سقوط می کند و به قتل می رسد؛ ۲- «الف» با علم به بیماری «ب» به وی صدمه می زند و با مانع شدن برای درمان او موجب مرگ وی می گردد.

برخورد کند عهده دار خسارت وارده دانسته است. لذا، علم مستفتی به نادرست بودن فتوی و ارتکاب عمدی یا غیر عمدی جنایت توسط وی، مسولیت جنایت را برعهده وی قرار خواهد داد و باتوجه به انتساب نتیجه به مباشر، سبب مقصر مسولیتی نسبت به جنایت واقع شده نخواهد شد. در صورتی که مستفتی علم به نادرست بودن فتوا داشته باشد و مرتکب جنایت عمدی گردد به مجازات مقرر برای جنایات عمدی محکوم خواهد شد. در حقوق مالزی، قتل عمد[1] که شدیدترین نوع قتل است و مستوجب مجازات مرگ است(ماده۳۰۰ مجموعه قوانین کیفری مالزی مصوب۱۹۹۶ با اصلاحات ۲۰۱۷) قتلی است که در آن مرتکب با قصد قتل و یا بدون قصد قتل ولی با ایراد عامدانه صدمه جسمانی که می داند به احتمال زیاد منجر به مرگ خواهد شد موجب مرگ دیگری می گردد؛ مطابق ماده مذکور قصد قتل فرد خاصی مدنظر نیست، لذا اگر« الف» به سمت جمعیتی شلیک کند و فرد یا افرادی کشته شوند مرتکب قتل عمد گردیده است.لذا در این فرض که مستفتی عالم به نادرست بودن فتواست و مرتکب جنایت عمدی می گردد مشمول ماده ۳۰۰ خواهد شد.

۴-۲-۲- عمد مفتی و عمد مستفتی

در حقوق ایران، در فرضی که هم مفتی عالم به نادرست بودن فتوی باشد و به قصد اتلاف و یا وقوع جنایتی، چنین فتوایی دهد، مانند، فتوی به مهدورالدم بودن یک فرقه خاص و یا بدون قصد جنایت، بداند که با این فتوای او، جنایتی واقع می گردد و هم مستفتی با علم به نادرست بودن فتوی و علیرغم اینکه شرعاً، مجاز به عمل به چنین فتوایی نمی باشد[2]، به قصد جنایت، به فتوی عمل نماید، در این صورت، جنایت

---

1. Murder

۲. بر مستفتی جایز نیست که به مجرد فتوی مفتی به آن عمل کند در صورتی که خود بدان مطمئن نباشد.نورالدین عبدالسلام مسعی، ادب المفتی و المستفتی، مقالات فی فتوی و الافتاء، وزاره الاوقاف و الشون الاسلامیه دوله الکویت،طبعه الاول،۱۴۳۴ه.ق، ص۹

به مستفتی مستند می گردد زیرا، اولاً، نمی توان از ملاک ماده ۵۳۵ ق.م.ا در این فرض استفاده کرد به این دلیل که ماده مذکور در خصوص اجتماع طولی اسبابی است که همه دارای قصد جنایت اند[۱]، ثانیاً، اگر قصد جنایت، باعث استناد نتیجه به سبب و مباشرگردد دیگر معاونت در جرم بی معناست. زیرا از شرایط معاونت، وجود قصد ارتکاب جرم و برابری این قصد با مباشر است و با این وجود، جرم به مباشر مستند است نه معاون؛(حاجی ده آبادی، ۱۳۹۸: صص۱۲۳-۱۲۵)..بنابراین،در مواردی که سبب نقش آمریت و اقتدار را بر مباشر داشته باشد و مباشر نیز از هرنظر، انسانی متعارف باشد و هردو قصد جنایت داشته باشند سبب به مجازات معاونت محکوم می گردد مانند پزشک و پرستاری که هردو دارای قصد جنایت اند(رستمی و کندسری،۱۳۹۵: ۱۶۵).لذا، اگر مفتی و مستفتی هردو دارای قصد جنایت باشند مستفتی به مجازات قصاص و مفتی به مجازات معاونت در جنایت، محکوم خواهد شد. در حقوق مالزی نیز به دلیل علم و عمد مباشر، مستفتی به مجازات مقرر برای قتل عمد محکوم خواهد شد. و مفتی نیز وفق ماده ۱۱۵ مجموعه قوانین کیفری مالزی مصوب۱۹۹۶ با اصلاحات ۲۰۱۷ به دلیل وحدت قصد با مباشر به مجازات معاونت در جرایم مستوجب مجازات مرگ محکوم خواهد شد.

۵-۲-۲- تقصیر مفتی و تقصیر مستفتی

در حقوق ایران، در فرضی که مفتی و مستفتی هردو دارای تقصیر می باشند، با توجه به ماده ۵۲۶ ق.م.ا نتیجه به هردو مستند می گردد و توزیع مسولیت نیز با توجه به درجه تقصیر خواهد بود؛ لذا بر مبنای ماده مذکور هر دو را می توان محکوم به پرداخت

---

۱. ماده ۵۳۵- هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می شود.

دیه باتوجه به میزان تاثیر رفتارشان نمود. لذا، در مواردی که مفتی دارای اهلیت افتاء نباشد و علیرغم این موضوع، مستفتی جهت اخذ تکلیف شرعی خود به وی رجوع نماید، در این صورت، همانگونه که فقهای اهل سنت اعلام نموده اند مستفتی در رجوع به فرد فاقد اهلیت مرتکب تقصیر شده است، پس در این فرض، تقصیر مستفتی محرز است.در مواردی نیزکه یکی از طرفین(مفتی یا مستفتی) دارای عمد و یا تقصیر است و دیگری صرفاً مرتکب خطای بدون تقصیر شده است، مسولیت، متوجه عاملی است که رفتار وی توام با عمد و یا تقصیر باشد؛ مانند مواردی که مفتی دارای اهلیت، تمام اهتمام خود را جهت کشف حکم خداوند متعال بکار برده باشد، اما علیرغم تلاش وی درکشف حکم درست، مرتکب خطا شده باشد، که در این صورت اگر مستفتی نیز حکم را درست یابد و به آن عمل نمایید، هیچ یک مسولیتی نخواهند داشت[۱]، دلیل عدم مسولیت مفتی در این فرض، قاعده احسان می باشد،[۲] اما اگر مستفتی، علی رغم آنکه حکم را خلاف شرع یابد، به آن عمل نماید و یا در رجوع به مفتی، مرتکب تقصیر شده باشد، مسولیت ضرر واقع شده متوجه وی خواهد بود. در مواردی نیزکه عمد یا تقصیر، متوجه مفتی باشد و مستفتی حکم را درست یابد و به آن عمل نماید، مسولیت، مطلقاً متوجه مفتی مقصر یا عامد خواهد بود. برخی از نویسندگان، در فرضی که سبب و مباشر هردو مرتکب خطا شده باشند، با این استدلال که سبب مباشر را مغرورکرده و در غرور نیازی به قصد نیست و خطای مباشر ناشی از خطای سبب بوده است، مسولیت را متوجه سبب می دانند(قیاسی،۱۳۹۴: ۱۶۷) در مواردی که عمل مفتی، عدوانی است(تصدی غیرمجاز عمل إفتاء)، با توجه به تقصیر مستفتی در رجوع بدون تحقیق به چنین فردی و توجهاً به استناد عرفی نتیجه به هردو(با توجه به سرزنش پذیر بودن رفتار آنها)، مفتی و مستفتی، هردو در قبال نتیجه، مسئول خواهند بود. لازم به ذکر است که توزیع مسولیت میان

---

۱. به دلیل آنکه در اتلاف نیازی به عنصر تقصیر نیست در صورت که مفتی و مستفتی هردو خطاکار باشند، ضمان اتلاف بر عهده مستفتی خواهد بود.

۲. در خصوص نقش احسان در مسولیت مرتکب به مواد ۵۰۹ و ۵۱۰ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ رجوع شود.

مفتی و مستفتی بر مبنای میزان تاثیر رفتار آنها زمانی است که جنایت ارتکابی غیر عمد باشد زیرا صرفاً دیه درصدبندی می شود نه قصاص و تعزیر(رستمی و کندسری،۱۳۹۵: ص۱۶۶) لذا در فرض تقصیر طرفین اگر مستفتی مرتکب جنایت عمدی گردد جنایت واقع شده به وی منتسب می گردد زیرا در این فرض سبب اقوایی وجود ندارد که موجب برائت مباشر گردد. در حقوق مالزی نیز درصورتی که بتوان غفلت و بی احتیاطی را به مفتی و مستفتی منتسب نمود هردوی آنها در قبال جنایت واقع شده مسئول خواهند بود.

۶-۲-۲- عمد مفتی و تقصیر مستفتی

در حقوق ایران، در مواردی نیز که مفتی عامد است و مستفتی مرتکب تقصیر شده باشد باتوجه به اینکه رکن روانی مباشر تقصیر است و آنچنان قوی نیست که رابطه سبب را با حادثه قطع کند بنابراین هردو ضامن هستند در این مورد باید توجه داشت عمد سبب اگرچه موجب ضمان وی به نحو قطعی است اما اثبات شی نفی ماعدا نمی کند و منافاتی با مسئول بودن مباشر ندارد(قیاسی، ۱۳۹۴: ۱۶۳). لذا در فرضی که مستفتی بدون تحقیق لازم به فردی که فاقد صلاحیت لازم برای افتاست رجوع می کند و مفتی غیرصالح نیز با علم به نادرست بودن فتوی و به قصد جنایت و یا علم به وقوع جنایت فتوایی دهد جنایت به مفتی و مستفتی هردو مستند است.در این فرض، مفتی به مجازات مقرر برای جنایات عمدی و مستفتی نیز به مجازات مقرر برای جنایات شبه عمد محکوم خواهند شد. در حقوق مالزی در این فرض، مفتی به مرتکب قتل غیرقابل توجیه و مستفتی مرتکب قتل توام با غفلت شده است.

در مقایسه با حقوق مالزی، در ایران نحوه مداخله در ارتکاب جنایت(بنحو تسبیب و یا مباشرت) هیچ گونه نقشی در تعیین نوع قتل(عمد یا غیرعمد) نخواهد داشت؛ لذا برخلاف حقوق مالزی که حداکثر مجازات مفتی در صورت وقوع جنایت می

تواند مجازات قتل غیرقابل توجیه باشد[۱] در حقوق ایران، مسبب نیز می تواند در صورت وجود شرایط لازم به حداکثر مجازات جنایات یعنی قصاص نفس محکوم گردد؛ لذا اگر مفتی عالماً عامداً فتوایی نادرست دهد که منجر به قتل دیگری گردد در حقوق مالزی به مجازات حداکثر ۳۰ سال حبس و جریمه محکوم می گردد و در حقوق ایران به قصاص محکوم خواهد شد. در صورتی که وی فاقد صلاحیت افتا باشد در حقوق مالزی علاوه بر مجازات مذکور به مجازات افتای غیرمجاز نیز محکوم خواهد شد، اما در حقوق ایران از این جهت، کیفری نخواهد داشت. ازجهت رکن روانی نیز همانند حقوق ایران در مالزی نیز برای انتساب جنایت به مفتی حداقل وجود تقصیر الزامی است.

۱. مجازات قتل غیرقابل توجیه وفق ماده ۳۰۴ مجموعه قوانین کیفری مالزی مصوب ۱۹۹۶ با اصلاحات ۲۰۱۷ عبارت است از:

الف) حداکثر ۳۰ سال حبس و جریمه درصورتی که رفتار انجام شده به قصد قتل و یا عملی که نوعاً منجر به قتل می گردد باشد.

ب) حداکثر ده سال حبس یا جریمه و یا هردو، اگر رفتار انجام شده بدون قصد قتل و یا عمل نوعاً کشنده ولی با آگاهی به اینکه احتمالا منجر به مرگ می گردد باشد

برآمد

قانوگذاری در حوزه افتاء موضوع مهمی است که درکشورهای اسلامی در حال گسترش است.در برخی ازکشورهای اسلامی که محدودسازی إفتاء، قانونگذاری شده است، جهت رعایت محدودیتهای پیش بینی شده، افتاء خارج از چارچوب مقرر قانونی، جرم انگاری شده است؛ اما در سایرکشورها که چنین محدودیت هایی در قوانین پیش بینی نشده است عنوان مجرمانه ای نیز در ارتباط با إفتاء وجود ندارد. نصب مفتی در ایالت های مختلف مالزی و قلمروهای فدرالی در صلاحیت انحصاری پادشاه است و تفاوت ایالت ها در این خصوص، صرفاً به مقامات صالح جهت پیشنهاد دادن فرد صالح به پادشاه و مقامات و نهادهای صالح طرف مشورت با پادشاه بر می گردد؛ در ایران، تاکنون قانونی که تعیین کننده ضوابط و یا محدودیتی در خصوص فتوی باشد تصویب نگردیده است؛ لذا، نه تنها حاکمیت بلکه هیچ نهاد خاصی متولی نصب و عزل مفتی نیست وکلیه فقهای جامع الشرایط دارای صلاحیت افتا هستند. فرآیند صدور فتوا در ایالتهای مختلف مالزی و قلمروهای فدرالی تقریبا مشابه است و صدور فتوا ممکن است به دستور پادشاه و یا تقاضای سایر افراد جامعه باشد و ممکن است استفتاء از طرف مراجع قضایی صورت بگیرد و یا به ابتکار خود کمیته فتوا یا مفتی باشد. در برخی از ایالتها، افتاء دارای فرایندی طولانی تر و پیچیده تر است به نحوی که بررسی مجلس و موافقت پادشاه نیز در فرآیند آن قرار می گیرد؛ در ایران به دلیل عدم مداخله حاکمیت، فرآیند صدور فتوی فاقد پیچیدگی خاصی است و مفتی با انتشار رساله عملیه و همچنین پاسخ به استفتائات موردی مقلدین، تکلیف دینی آنها را مشخص می نماید. در قوانین جزایی شرعی ایالت های مختلف مالزی با عناوین مجرمانه ای چون« عقیده مخالف با فتوا»، « صدور غیرقانونی فتوا»، « دکترین غلط » و« صدور فتوا» هرگونه اظهارنظر یا فتوایی در رابطه با آموزهای اسلامی و حقوق اسلامی که در تضاد با فتوای مورد تایید حاکمیت باشد، جرم انگاری شده است. در ایران صرفاً در صورت تصویب لایحه تعزیرات(پیش

نویس معاونت حقوقی و امور مجلس۱۴۰۱) می توان تصدی غیرمجاز عنوان مفتی در نظام کیفری ایران را جرم دانست، اما در حال حاضر مجازاتی برای رفتار مذکور پیش بینی نشده است. در حقوق کیفری ایران، به دلیل عدم قانون گذاری در حوزه افتاء، صدور افتا توسط افراد غیرصالح جرم انگاری نشده است و صرفاً در صورتی که فتوای نادرست موجب اتلاف و یا جنایتی گردد با توجه به ماده ۵۲۶ق.م.ا، می توان حکم به محکومیت مفتی داد. به این صورت که اگر مفتی دارای عمد یا تقصیر باشد در صورتی که عمل کننده به فتوی جاهل باشد، قطعاً، نتیجه به مفتی مستند خواهد شد و در صورتی که مستفتی دارای علم و عمد باشد مفتی در صورت عالم بودن مسول و در فرض جاهل بودن فاقد مسولیت است و در مواردی نیزکه مفتی صرفاً دچار خطای بدون تقصیر شده باشد اعم از آنکه مستفتی عالم به نادرست بودن فتوی باشد و یا جاهل، مفتی فاقد مسولیت است؛ مستفتی نیز در صورت وجود تقصیر، دارای مسولیت و هرگاه جاهل به نادرست بودن حکم باشد فاقد مسولیت است؛ اما، در صورت علم و عمد مفتی و مستفتی، مستفتی، مباشر جنایت خواهد بود و مفتی نیز به مجازات معاونت محکوم خواهد شد. در حقوق مالزی نیز در صورتی که در نتیجه خطای در افتاء جنایتی واقع گردد همانند حقوق ایران، امکان محکومیت مفتی و مستفتی در قبال جنایت واقع شده وجود دارد، با این تفاوت که مفتی در حقوق مالزی حتی اگر دارای علم و عمد نیز باشد هرگز به مجازات قتل عمد(اعدام) محکوم نخواهد شد، اما در حقوق کیفری ایران، امکان تعیین مجازات قصاص برای مفتی وجود دارد. در حقوق کیفری مالزی همانند حقوق ایران برای ضمان مفتی وجود تقصیر الزامی است.

پیشنهادات

۱-باتوجه به خلاقانونی موجود در حوزه افتاء پیشنهاد می گردد که استفاده غیرمجاز ازعنوان مفتی به صراحت جرم انگاری شود و افرادی که ازمنظرفقهی نمی توانند مرجع تقلید باشند و علیرغم این موضوع اقدام به صدورفتوی می کنند تحت تعقیب قرار گیرند.

۲-همسو با بسیاری ازکشورهای اسلامی نهادی مستقل مرجع صدورفتوی گردد؛ به این شکل که نهاد مذکور تنها مرجع صدور فتوی درکشور باشد و سایر فقها(خارج از نهاد مذکور) حق صدورفتوی را نداشته باشند. نهاد مذکور می تواند در هریک از استانها و یا شهرستانها دارای نمایندگی باشد و نهاد افتاء درسه سطح ملی، استانی و شهرستانی پاسخگوی استفتائات باشد. نهاد افتاء می تواند بازوی مشورتی مهمی برای قوای سه گانه باشد. در خصوص ساختار اداری مرجع افتاء می توان از تجربیات سایرکشورهای اسلامی بهره جست.

۳-برخلاف کشورهای اسلامی دارای قانون در حوزه افتاء، مرجع افتاء باید هیچ گونه وابستگی به نظام حاکم نداشته باشد و نصب و عزل اعضای کمیته افتاء باید توسط خود فقها انجام پذیرید و بدین شکل از سیاست زدگی افتاء جلوگیری نمود. کمیته مذکور را ازمحل وجوهات شرعی می توان تامین مالی نمود.

۴-صدورفتوی خارج از مرجع رسمی فتوی جرم انگاری شود. در صورتی که در نتیجه عمل به فتوی جنایت یا اتلافی واقع شود و پس ازوقوع جنایت یا اتلاف خطا بودن فتوی آشکارگردد درصورتی که مستفتی به فردی غیرازمرجع رسمی صدورفتوی مراجعه نموده باشد به صراحت درقبال جنایت واقع شده مسئول قلمدادگردد.

فهرست منابع

الف) فارسی

قرآن کریم

امینی، منصور و رشید عنایت تبار، بررسی تطبیقی مسولیت سبب و مباشر در حقوق ایران و عامل مداخله گر در حقوق انگلستان، ***مطالعات حقوق تطبیقی***، دوره ۹، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷

ارسطا، محمد جواد و مهدی ممی زاده، مسولیت مدنی ناشی از تقنین، ***پژوهش نامه حقوق اسلامی***، سال نوزدهم، شماره دوم، ۱۳۹۷،ص۳۳۰

پورقهرمانی، بابک، تسبیب در امور کیفری و رابطه آن با فاعل معنوی در حقوق موضوعه، ***فصلنامه فقه و حقوق اسلامی***، سال سوم شماره ۸ و ۹، ۱۳۹۰

حاجی ده آبادی، احمد، تغییرات قاعده اجتماع سبب و مباشر بالحاظ آخرین تحولات قانونگذاری در ایران، ***حقوق خصوصی***، دوره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸

رستمی، هادی و هادی شعبانی کندسری، احراز رابطه سببیت در فرض مداخله عوامل گوناگون در جنایات و خسارات مالی(با تاکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)، ***پژوهش حقوق کیفری***، سال چهارم، شماره ۱۵، ۱۳۹۵

ساشادینا، عبدالعزیز،« ترجمه سید محمدرضا هاشمی»، مبانی همزیستی مسالمت آمیز در اسلام، نشر ادیان، چاپ اول، ۱۳۸۶

صادقی، محمد هادی، اجتماع سبب و مباشر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ***مجله مطالعات حقوقی*** دانشگاه شیراز، ۱۳۹۳

طاهری نسب، سید یزدالله، ***رابطه علیت در حقوق کیفری ایران و انگلستان***، نشر دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۸۹

قیاسی، جلال الدین، تساوی سبب و مباشر در حالت تقصیر طرفین، ***فقه و حقوق***، سال سوم، شماره ۱۲، ۱۳۸۶

قره داغی، علی محی الدین، ***اجتهاد و فتوا***، انتشارات افق علم، چاپ اول، ۱۴۰۰

ـــــــــــ، تسبیب در قوانین کیفری، نشر جنگل، چاپ سوم، ۱۳۹۴

میرحسینی، سید احمد و حسن آب سواران، باپژوهی قاعده تسبیب و نقد قوانین آن، ***آموزه های فقه مدنی***، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۰، سال ۱۳۹۳

میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، نشر میزان، چاپ ۱۲، ۱۳۹۲

معرفت، محمد هادی، ***ولایت فقیه***، موسسه فرهنگی تمهید، قم، ۱۳۷۷، چاپ سوم

موسوی خلخالی، محمد مهدی، ***حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه***، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۸۰

میراحمدی، منصور، آزادی و ولایت در فقه سیاسی معاصر شیعه، ***فصلنامه علوم سیاسی***، تابستان ۱۳۷۷

مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضاییه، ثبات و تغییر در جرایم و مجازاتها، سلسله پژوهش های فقهی-حقوقی، جلد۹، ۱۳۸۷،

مجله حوزه، مراجع صاحب رساله، خرداد و تیر- مرداد و شهریور ۱۳۷۲، شماره ۵۶ و ۵۷

نقیبي، سیدابوالقاسم« ترجمه جلیل زاده ماکویي حسین»، تاثیر زمان و مکان در تطور آرا فقیهان، ***پژوهش های فقه و حقوق اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)***، بهار ۱۳۹۱ , دوره ۸

یزدانی، عباس، مروری بر رساله‌های علمیه، ***فصلنامه فقه***، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ، ۱۳۷۶

ب) عربی

اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، ***مرآة العقول في شرح أخبار آل***

الرسول، ۲۶ جلد، دارالکتب الإسلامیة، تهران - ایران، دوم، ۱۴۰۴ ه ق

آبی، فاضل، حسن بن ابی طالب یوسفی، ***کشف الرموز فی شرح مختصر النافع***، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، سوم، ۱۴۱۷ ه ق

بن حمدان، احمد،«المحقق: مصطفى بن محمد صلاح الدين بن منسي القباني أبو جنة الحنبلي»، ***صفة المفتی و المستفتی***، دارالصمیعی للنشر و التوزیع، ۱۴۳۶ ه

برازی، محمد فواد، ***مسولیت الفتوی الشرعیة و ضوابطها و اثرها فی رشاد الأمة***، بی تا

جناتی،محمد ابراهیم، ***تطور اجتهاد در حوزه استنباط***، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶

حسینی عمیدی، سید عمید الدین بن محمد اعرج، ***کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد***، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، بی تا

حکیم، سید محسن طباطبایی، ***مستمسک العروة الوثقی***، ۱۴ جلد، مؤسسة دارالتفسیر، قم - ایران، اول، ۱۴۱۶ ه ق

حلی (علامه)، حسن بن یوسف، ***تحریر الاحکام الشرعیه***،قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، جلد ۱، ۱۴۲۰ق.

درعان، عبدالله بن عبدالعزیز، ***الفتوی فی الاسلام«اهمیتها، ضوابطها و آثارها»***، مکتبة التوبه، الطبعة الاولی، ۱۴۲۹ه

طباطبایی بروجری، آقا حسین « ***مترجمان: حسینیان قمی، مهدی – صبوری***»، منابع فقه شیعه، ۳۱ جلد، انتشارات فرهنگ سبز، تهران - ایران، اول، بی تا

عاملی، محمد بن مکی، ***القواعد و الفوائد***، قم، کتابفروشی مفید،۱۴۰۰ق

عمیدی، سید عمید الدین بن محمد اعرج حسینی، ***کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد***، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، بی تا

علامه مجلسی، ***بحارالانوار***، مؤسّسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ه ج ۱، ص ۲۲۶

عاملی، شیخ حر، محمد بن حسن، ***وسائل الشیعه***،قم، مؤسسه آل البیت، جلد ۲۷، ۱۴۰۹ق.

عراقی،ضیا الدین، ***الاجتهاد و التقلید***، قم، نوید اسلام، ۱۳۸۸

موسوی اردبیلی،سید عبدالکریم، ***فقه القضاء***، موسسه النشر لجامعة المفید رحمةالله،۱۴۲۳ ق، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۱ش

موسوی خمینی، سید روح الله، ***تنقیح الاصول***، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثارامام خمینی،۱۴۱۸

نووی، یحیی بن الشرف، ***آداب الفتوی و المفتی المستفتی***، دارالفکر، ۱۴۰۸ ه

نوری، میرزاحسین، ***مستدرک الوسائل***، بیروت، مؤسسه آل البیت، جلد ۱۷، ۱۴۰۸ق.

مکارم شیرازی، ناصر،***انوار الفقاهة***، قم، مدرسه امام علی(ع)،۱۴۲۵ق

ج) انگلیسی

Zaini Nasohah And Others, Standardisation of Fatwa in Malaysia: Management and Problems, ***Advances in Natural and Applied Sciences***, Vol. 6, Issue 6, 2012.

Alizeh Ahmad, ***When Fatwa Becomes Law: Examining the Fatwa's Place in the Malaysian Islamic Legal System***, https://islamiclaw.blog, Posted on 2018

Wan Mohd Khairul Firdaus Wan Khairuldin and Others, The Binding of Laws to Personal Opinion of Muftis in Malaysia, ***International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences***, Vol. 8, No. 11, Nov, 2018

Wan Mohd Khairul Firdaus Wan Khairuldin and others, The Challenges of Fatwa Institutions in Malaysia in Facing the Progress of Science and Technology, ***International Journal of Mechanical Engineering and***

Technology, April 2019

Zoltiqar Ali Shah, Ifta and Fatwa in The Muslim World and the West, the International Institute of Islamic Thought London. Washington,2014

Noor Munirah Isa and Others ,Bioethics in the Malay-Muslim Community in Malaysia :A Study on the Formulation of Fatwa on Genetically Modified Food by the National Fatwa Council ,Developing World Bioethics Issn2014 ,

Fathullah Asni and Others ,***Analysis of Practice and Method of Fatwa Standardization in Malaysia and Indonesia ,the Second International Conference on Humanities*** ,Https//:Doi.Org/10.15405/ Epsbs2019.

Nazlida muhamad ,***fatwa rulings in islam :a Malaysian perspective on the role in muslim consumer behavior ,handbook of Islamic marketing***2011.

Othman Ishak ,***the Making of" FATWĀ "in Malaysia*** ,Islamic Studies, 1989,Vol ,28 .No4 .

Muhammad Ifzal Mehmood ,Fatwa in Islamic Law ,Institutional Comparison of Fatwa in Malaysia and Pakistan :The Relevance of Malaysian Fatwa Model for Legal System of Pakistan ,***Arts and Social Sciences Journal***2015.

Alizeh Ahmad ,***When Fatwā Becomes Law :Examining the Fatwā's Place in the Malaysian Islamic Legal System*** ,https//:islamiclaw.blog/2018/02/08/

Razali Musa and others ,Factors Responsible for the Emergence of Takfir in Malaysia ,***International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences***2018,

Tengku Maimun Tuan Mat and others ,Sis Forum) Malaysia (v .Kerajaan Negeri Selangor ;Majlis Agama Islam Selangor) Intervener ,(Judgment Express2022,

Amirul Syafiq bin Mahadi and others ,***A Critical Study of False Doctrine, Looking into the Concept and Its Punishments Under the Syariah Criminal Offences Enactments in Malaysia ,Universiti Teknologi***

MARA Faculty of Law2010,

Nur Hazirah Zainal Abidin ,Zaini Nasohah ,The Complexities of Implementing Gazetted Fatwas in Malaysia's Federal Territories ,***Mazahib Jurnal Pemikiran Hukum Islam*** ,Vol 22 No(2023) 2 .

Ahmad Hidayat Buang ,Quranic Values in Malaysian Fatwa ,***Journal of Usuluddin*** (January – Jun)2014

Zainah Anwar ,***Only in Malaysia :Where We Have Gone Wrong With Fatwa*** ,https//:www.malaysia-today.net2013/

Nico J .G .Kaptein ,EHESSThe Voice of the` Ulamâ :'Fatwas and Religious Authority in Indonesia ,Archives de sciences sociales des religions49 ,e Année ,No ,125 .***Authorités Religieusesen Islam*** 2004, p120-121

قوانین

قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲

قرار بقانون رقم (۷) لسنة ۲۰۱۲م بشأن دار الإفتاء الفلسطيني

قانون رقم (۱۵) لسنة ۲۰۱۲م بشأن إنشا دار الإفتاء(ليبى)

قانون الإفتاء لسنة ۲۰۰۶(اردن)

Constitution of Brunei Darussalam ,Syariah Penal Cod Order2013

Administration Of Islamic Law) Federal Territories (Act1993

Fatwa Enactment) State of Sabah2004 (

Syariah Criminal Offenses) Federal Territories (Act1997

Administration of the Religion of Islam) State of Johor (Enactment2003

Administration of the Syariah Court) State of Kerajaan (Enactment1982

Administration of the Religion of Islam) State of Malacca (Enactment2002

Administration of the Religion of Islam) Negeri Sembilan (Enactment2003

Administration of Islamic Law) State of Pahang (Enactment1991

Syariah Criminal Offences) State of Penang (Enactment1996

Syariah Criminal Offences) State of Pahang (Enactment2013
Syariah Criminal Offences) State of Johor (Enactment1997
Syariah Criminal Offences) Federal Territories (Act1997
Syariah Criminal Offences) Selangor (Enactment1995
Syariah Criminal Offences) Takzir) (Terengganu (Enactment2001
Syariah Criminal) Negeri Sembilan (Enactment1992
Crimes) Syariah) (State of Perag (Enactment1992
Syariah Criminal Code) State of Kelantan1985 (
Criminal Offences in the Syarak) State of Perlis (Enactment1991
Syariah Criminal Offences) Selangor (Enactment1995

منابع اینترنتی

https//:gate.ahram.org.eg/News.2440625/aspx
https//:www.sistani.org
http//:wahidkhorasani.com